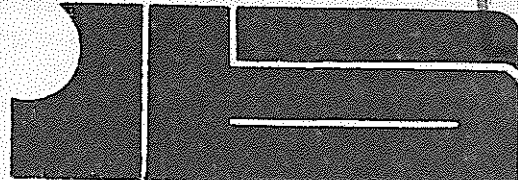


کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

مبارزه ضد امپریالیستی
از مبارزه برای دموکراسی
جدانیست



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بحران رفر میسم

دراواسط آذربایجان ایستادگی
عسوان درآذربایجان ایستادگی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
با اختلال طلسمی مبارزه کنیم، از
اصول دفاع نمانیم، از سوی گروهی از
کادرهای اکثریت که اخیراً "انتساب"
کرده اند دستبرداریم. این سازمان
و مواضع اتحاد دهنده در آن، این سوال را
برای بسیاری نشن آورده اند که این
انتساب توجه انسانی صورت گرفته و کدام
اختلافات اندونزیست - سیاسی تحریر
انتساب گشته است "برای هر فردا سیدک
آنها که این بنا بر اساس اندکی تا
مت لغت کردید باید بی خواهد بود که در این
همگونی اختلافی میان مواضع اندونزیست
- سیاسی باشد و مواضع اندونزیست -
سیاسی جناح دیگر اکثریت و حزب نبوده
وجود ندارد. حتی کنگره‌های اکثریت
اما از این پس برای سهولت مطلب، برای
گروه انتسابی اکثریت نام کنگره‌های
اکثریت میگذاریم. بیخود شدن مسئله
نصفه در صفحه ۲

اعدامهای مخفیانه انقلابیون دوسیه‌های چالهای جلا دان رژیم

مدتی قریب به یکماه است، استگونه
بنظر میرسد که موج اعدامهای دیوانه‌وار
رژیم فروکش نموده است. رژیم بعثت از
۵ ماه بدست جوخه‌های مرگ خود حمله خونی
به وسعت سراسر ایران برپا داشت. جلاد که

ارواحی که در راه رطقتی رحمتی نمودند
بر سر کورجودا است. دستگیر خود را بر سر کور
سحر خاند. هیچ حسنه‌ای در آمان نبود
نه فقط سحر مبارزه انقلابی رژیم
نصفه در صفحه ۱۳

دانشگاه سنگر آزادی است در جهت ایجاد دانشگاهی مردمی، آزاد و شورائی مبارزه کنیم.

چندی است که سردمداران رژیم و از
جمله خمینی "ستاد انقلاب فرهنگی" را با
احتیاط تمام به انجام بازگشایی
مختصری! در مورد دانشگاهها فرا میخوانند
و این ستاد نیز بنا بر "اوامر امام" که
در هفته‌های اخیر دست به ثبت نام
تعدادی از دانشجویان - که حداکثر ۲۵
واحد فارغ التحصیلی خود باقی مانده
دارند - زده است و از این طریق چشم انداز

بازگشایی تدریجی دانشگاهها در
نموده است.
بستن و اشغال دانشگاهها و آغاز
انقلاب خونین تفرهنگی رژیم که با گستاخ
دانشجویان تعلقه است، هر چند در مقابل
رشد سریع آگاهی نوده‌ها در ارتباط
دانشگاه و انزوی کامل "حزب الله"
و "حزب الهیون" در این محیط انجام
نصفه در صفحه ۱۰

متن قطعنامه‌های مصریه در اولین کنگره سازمان

صفحات ۳، ۴ و ۱۱

گهستان

در معرض یک آزمون تاریخی

پیامهای اولین کنگره سازمان به ...

در صفحه ۵

در این شماره

- آوارگان جنگ را سازمان دهیم
- بازرسی کل کشور تقلیدی ...
- احساسات و اخبار مدارس
- مردم چه میگویند؟

اخطارهای رفرستجانی عجز رژیم را در مقابل بحران نمایش مینهد

در هفته گذشته ما همدیوم که ها شد
رفرستجانی در جلسه علنی مجلس شورای
دولت بر علیه شیوه‌های عملکردش اخطار
کرد. ها، حتی گفت "در مورد مسائل
که مجلس تا بحال صورت قانون تصویب
کرده و اجرایی نشده تذکر می‌دهم که اینگونه
تا آخر ما در شان دولت جمهوری اسلامی و
مجلس شورای اسلامی نیست گذشتا بود...
گذرد و به آن توجهی نبود... ما خواهش
می‌کنیم این تذکر را جدی بشنویند...
موضوعات مجلس احترام نگذارند...
نصفه در صفحه ۱

سال نو میلادی رابه هم میهنان زحمتکش و مبارز مسیحی تبریک می‌گوئیم

امسال در شرایطی سال نو میلادی -
آغاز میگرد که بهترین نورزندان خلق
بجز مردم قاجار زمان قاجار کارگران و زحمتکشان
در زیر شکنجه دژ خیما ن رژیم جمهوری اسلامی
بشهادت میرسانند و گلهای نو شکفته میهنان
دسته دسته با گلوله‌های امریکائی و
اسرائیلی مزدوران سرمایه داری بریز
میگردند. خلقهای تحت ستم میهنان
با قانتومهای امریکائی بی خانمان
می‌شوند و اقلیتهای مذهبی تحت شدیدترین
نصفه در صفحه ۶

سرنگون با در رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

بحران فرمیسیم

نصفه از صفحه ۱

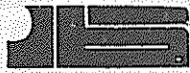
ادعان دارد و بر اینطریق ادعا کرده می‌کنند که از جنبه اصولی تا حد زیادی دفاع میکنند. بنابراین در این بخش این واقعیت را عرض می‌کنم که مواضع ایدئولوژیک و استراتژیک کنگره‌های فدائی اکثریت تا حدی که در مورد حزب بوده در این سالها تغییراتی نکرده است. اینها در حالی که در صورت در تحولات شورویسم و استبداد را که در دست باقی به مواضع ایدئولوژیک - سیاسی حزب بوده خلاصه می‌نویسد تا آنجا که بر آت و نایب توضیح می‌دهند، آنها در میان به خود می‌بالند از اینکه در راستای اینسیس احتیاط و ارادت "سرفرازانها از تندبجیهای برخطر" را برپیکر آنها، در هر دو ورطه‌های سن هولناک از گذشته اند و در راستای تکاملی خود از بعضی دستاوردهای ارزنده انقلاب از آنجا که ما به هیئت ملی و صدا میریالیست حکومت جمهوری اسلامی - نه در یک حزب بوده یعنی در یک ما هیئت مستقل، ملی‌وحدت - امیرتالیست جمهوری اسلامی - رسیده اند. آنها همانند حزب بوده پسواندایی تحول خود را با رگس - لیستیم خلقی قرار دادند و در دوران رهبران - روند تکاملی که رهبری امام را بدیدرفته اند، بمواضع ایدئولوژیک حزب بوده نزدیک شده اند. "سوسیالیسم واقف" را می‌نویسد این رهبران در کنگره - شناخته اند و "چهره انقلابی" خط می‌عمومی چنین کمیونیتی را که حزب بوده مدافع سنج بکنیم آن محسوب می‌شود در کنگره اند. و پس از آنکه این سیرا لحاظ ایدئولوژیک - سیاسی را طی نمودند یا بسنوم تاریخی آدرما هساره روشن مساله وحدت انقلابی منظور وحدت با حزب بوده است) نیز بگونه مشخص در برابر دیدگان آنها بدیدارگشت. پس اختلاف در کجاست؟ مگر جز اینست که کنگره‌های اکثریت همانند جناح دیکتر - شان حکومت فدا انقلابی و ملی - وطنی جمهوری اسلامی را انقلابی و ملی - وطنی امیرتالیست میدانند. مگر جز این است که حکومت انقلابی کنگره‌های همانند جناح دیکتران، همان حکومت سرسبز و فاضل و عام بوده است، همان حکومتی است که تنهایی مدنی کمتر از ۶ ماه پیش از ۳۰ - هزارتن از انقلابی ترین فرزندان خلق ایران و طبقه کارگر را بخود عدا - سرده است. همان حکومتی است که رهبری سوسه‌های قرون وسطائی را در قرن - بیستم معمول کرده است، همان حکومتی است که مدافع یا نا سلامیسم ارتجاعی است، همان حکومتی است که کنگره‌گران و دهقانان را سرکوب میکند، همان حکومتی است که تمام ذخائر ری کشور و شروتهای ملی را از خود سرپا م آورده است. بلکه جنب امیرتالیستهای ریزگر - همان حکومتی است که بیای فرزندانهای نابوت، کروب، بیسوسی و صدها فرزند اسارت بار دیکر را امضاء نموده است و - بالاخره همان حکومتی که حرفه و یکسخت، بدبختی و آوارگی، کرسی و سیکاری - همراهی برای توده‌های مردم بداند

است. آن حواس است که کنگره‌های فدائی کنگره - شهری عمدتاً بیرونی که همگام با رفقای دیکر خود بجای رهبر طبقه کارگر، رهبری یک جلااحین نگار - سلام حسین - اندرونه اند که مارتکسیسم - لیستیم خلقی که در این - روبرویسم جزو حقیقی نیست نیستند یا همه اند؟ آنها جز اینست که در سن از ما تنها بیعتان بفظه‌ای رسیده اند که حزب بوده است. آنها آنرا "کردار" است که در - است. اختلافات در سراسر مواضع ایدئولوژیک - سیاسی، اختلافات میان دو ایدئولوژی - و استراتژی و دو خط می‌سیاسی - اختلافات میان فرمیسیم و خط می‌انقلابی، اختلافات میان روبرویسم و مارتکسیسم - لیستیم نیست. مانی ایدئولوژیک کنگره‌های ما، همان مانی حزب بوده است. آنها به تنهایی هیچگونه تحریراتی را - اردوگاه کشورهای سوسیالیستی نمی‌بینند به تنهایی ترهای روبرویستی خروتجست و مصوبات کنگره‌های ۲۵ و ۲۲ را تمام خط و می‌انقلابی حسین کمونیستی می‌دیدند، بلکه در حقیقت معتقد هستند که بی چون و چرا باید آنها را بدیدریت، آنها حتی هنگامیکه جناح دیکر خود را "تحلال طلب" می‌نامند، حتی یکبار نیز به ارتداد مسلکی و عدول از مانی مارتکسیست انقلابی - اناره‌ای نمی‌کنند، در حالیکه دیکتر - مارتکسیست - لیستیم اندک آگاهی به خوبی واقف است که در تحلال طلبی نه تنها یک رشته ارتداد مسلکی و عدول از مانی مانی و مارتکسیست انقلابی همراه است، بلکه به در - بین تکلیف ایورتونیسم محسوب می‌گردد. اما از آنجا که کنگره‌های اکثریت خود را اساساً مدافع همان ایدئولوژی - مارتکسیست و بر مانی "تحلال طلبیان" هستند، از آنجا که خودشان مرتد هستند، هیچگونه اشاره‌ای به ریشه‌های انحلال طلبیستی نمی‌کنند، از اینرو کنگره‌های اکثریت بیهمان اندازه روبرویستی، فرمیسیم و مرتد هستند که حزب بوده است. اما مطلقاً "تحلال طلبیان"، آنها به تنهایی چگونه اختلافات سیاسی با حزب بوده و جناح دیکتر اکثریت ندارند، بلکه خوددنیایه - روان مواضع ایدئولوژیک - سیاسی آنها - محسوب می‌گردند. کنگره‌های اکثریت در سراسر مانی خود تلاش فراوان یکبار برده اند تا یک خط و مرز مصوعی میان خود و جناح دیکترشان ترسیم کنند، آنها - پس از آنکه روند احتیاط خود را در کنگره "تحلال طلبیان" بسوی نزدیک هر چه بیشتر به مواضع ایدئولوژیک - سیاسی حزب بوده توضیح می‌دهند، آنجا که مطرح می‌کنند که "بیا مداین روند در حال حاضر بدینجا انجام دهیم است که موجودات سازمان ما و حزب بوده ایران را بطور مشخص در دستور روز قرار داده است. آنها با توجه به این تصویر تاریخی و ترسیم مشخص - جنبش کمونیستی ایران است که مستویان به خط و می‌انقلابی بنا بر در راه وحدت حزبی دست یافت. بر این اساس وحدت

حزب سازمان را و حزب بوده ایران تنها از طریق فدائی‌گانه‌ای دو حزبان - سکین حزبان کیفی - عالی نمی‌توانند انجام کنند. کنگره‌های اکثریتی سن مسائل مورد اختلاف را نسبت به حرکت فدا مطرح می‌کنند تا ریشه اختلافات در این زمینه است که یک جناح ستر - تحلال طلبیان در حزب بوده تا فیساری - کنگره را "تنگ" کنیم. دیکر بعضی کنگره - های فدا - لیستیم کنگره‌ها و لیستیم - وحدت نبودند. مارتکسیستی با حزب بوده ایای فیضان این دیده‌ها - دوه - کدهما با دیدگاه کنگره‌های اکثریتی است. در صورت اجرا و خط می‌سیاسی با این کنگره و جدی اصولی، باید در - ناکرده باشد. بستار حزب! بیرونی است که خط - بیرونی شکل و محتوای آن مدینه است - کنگره‌های اکثریت مطرح می‌کنند که "تحلال طلبیان" خواهان اعلام تحلال - سازمان اکثریت و بیوستن می‌خون و جناح - مدافع بوده یا بدیدریت بر مانی مارتکسیست - در این راستا بردست ناخشن از مانی مانی سکسیالیستی گامهای "مؤثری نیز در - سن را در دست اندازد، استدلال آنها هم بیست - کجرت بوده. از ایندا مظهر و مجدد بر - بیرونی حسین کمونیستی ایران بوده است که اکنون سر مورود - سواد - بدیدریت - فرازدارد، بیرونی موجود است - کنگره بیرونی دمکرات انقلابی است که مانی مانی راه تکمیل بیرونی شدن آن - کنگره به "حزب طراز سوسیالیسم" مارتکسیستی "حزب بوده" است. در حالیکه کنگره‌های معتقدند که حزب بوده هر چند در مانی مانی رهبری عمده ترین نیروی جنبش کمونیستی بوده است او اینک نیز یکی از نیروهای اصلی جنبش کمونیستی است! او هر چند "در اصل لزوم وحدت با حزب بوده اختلافی نیست، اما حزب بوده در سیر تحولات خسود انحرافاتی داشته است. اینک بیست - سرتا مانی دارای تفاصیل و انحرافاتی است. از اینرو انحلال سازمان - و بیوستن به حزب بوده نوعی انحلال طلبی است. صحیح آنست که وحدتی با ک - "با کیره انجام گیرد، بدین معنی کسه "حزب بوده" و "اکثریت در پروسه‌ای از سازمان ایدئولوژیک هر دو متخل شوند و در مجموع "حزب طراز سوسیالیسم" در ایران را بسازند. این این و اساس اختلافات کنگره‌های ما با حزب بوده و جناح "تحلال طلبیان" است. البته کنگره‌های اکثریت برای اینکه در ترسیم خط و مرز مصوعی میان خود و حزب بوده موفقتر باشند مطرح می‌کنند که آنها مدافع تلفیق سیاست مستقل با حمایت ها و اتحادهای اصولی هستند و "صن دفاع و حمایت فاطح از سازمان فدا میریالیستی و مارتکسیستی بیرونی است و مردمی اما میمی بر چندین سیاستی - تاکید "می‌ورزند، اما انحلال طلبیان" با - حرکت از درگی تا درست از جنبش های رهبا بخش ملی و برادرتی مکانیکی از - ساخت اتحاد و مانی مانی سیاست - مستقل را اندیدند می‌گیرند و سیاستها ذات و اسفادات سازنده‌ای را که طرح آن برای کمک به حکومت جمهوری اسلامی در گنگره بر مانی مانی انقلاب همیت حیاتی دارد - تاکیده می‌گذارند. مانی مانی کنگره -

نصفه در صفحه ۱۳

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



تظننا مه در مورد

وهدت با جناح چپ

نظریا اینکه وحدت جنبش کمونیستی ایران و فاشی آمدن برپراکنندگی و خرده کاری موجودیک ضرورت مبرم و حیاتی جنبش محسوب میشود.

نظریا اینکه مواضع اعلام شده جناح چپ با نگرین واقعیات است که در خطوط کلی مواضع سیاسی با مواضع رسمیت یا فتنه درکنگره سازمان ندارند. لذا کنگره - پیشنها جناح چپ را مبتنی بر پیوستن به سازمان تصویب می نماید اما این شرط که ۱- اساسا سه، مویات و میانی نظری و عملی سازمان را بپذیرد و نظرات آنها درجا رجوب نظرات موجود در کنگره باشد.

۲- شکل عملی آن مذاکره نماید - مرکزیت سازمان و نمایندگان جناح چپ یا تصویب مرکزیت سازمان است.

۳- کلیه مسئولیتها شیکه بعهده رفقای جناح چپ گذاشته میشود بر حسب ثابستگی و توان آنها با توافق طرفین و تصویب مرکزیت سازمان است.

۴- کلیه رفقای جناح چپ که در آستانه جدا شدن ما از اکثریت عضوا زمان بوده اند بدون قید و شرط عضوا زمان خواهند بود. مگر آنکه با ماده ۱۰ این تظننا مه در تناقض باشد.

۵- در مورد عضویت بقیه طبق اساسا سه سازمان عمل خواهد شد.

تظننا مه پیرامون

خط و مشی گذشته سازمان

جنبش کمونیستی ایران تاریخ پر فراز و نشیبی داشته است. این جنبش از شکل گیری اولین هفته های توسیال دیکراسی تا امروز راهی سخت و دشوار را پشت سر گذارده است. در مسیر این راه سخت و طولانی اگر بی عملی و تسلیم رهبران حزب توده در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بعنوان یک نقطه عطف منفی و آغاز یک استراتژیک مشخص میشود، جسا رت شجاعت و اعتقاد به راه پرشکوه مبارزه برای رها شدن بشریت از قید هرگونه ستم و استعمار توسط ما رکنیست - لنینیستهای انقلابی در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ بعنوان یک تولد نوین و آغاز زبروسه ای جدید در جنبش کمونیستی ایران مشخص میشود.

جزقه ای که در سیه اکل روشن شد و به دنبال آن عملیات انقلابی بینگامان جنبش انقلابی ایران، مشت و فرمیستهای و پورتونیستهای را با زرمود، ایورتونیستهای - های بی عملی حسابگرا نه خود را بسا تئوری های آنرا فی توجیه میکردند و در ازگونی و پیرمدتای، نیرووهای جنبش کمونیستی را به گمراهی سوق میدادند.

مبارزه مسلحانه پیش آهنگان انقلابی راه را برای مدعیان دروغین ما رکنیم - لنینیسم میدود نمود. اکنون که پس از گذشت ۱۱ سال به ارزیابی خط مشی گذشته سازمان می پردازیم، باین نتیجه میرسیم که:

۱- آغاز ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ تولد جنبش نوین کمونیستی ایران است. این تاریخ اعلام موجودیت سازمان چریکهای فدائی

تظننا مه درباره وضعیت کنونی.

وظائف و تاکتیکهای ما

است. از این رو در شرایط کنونی عملیات رزمی توسط جوجه های رزمی مجاز زبروسه محملت و اهداف عملیات رزمی بدسرح زبراست:

الف - حملت این عملیات با بدسنا و طیفه آموزشی رهبران مبارزه شده ها در لحظه قیام منطبق باشد. فاشل شدن هرگونه جنبه دیگر برای این عملیات نادرست است.

ب - هدف فوری این عملیات با بدسنا مبارزه علیه بندهای سیاه، بی سازمان کردن آنها، غرچه و اردو و بدن بهارگانها و بسپادهای ستمگری رژیم و محاربات حاشین به خلق با توجه به حلقیات و روحیات

نوده ها بدو زبروسه طق مستعد، سازماندهی کانون های پارسی، تامین منابع مالی ارضدوون های دولتی و امنین - سنجحای باشد، آماده کردن نغنه های نظامی و شنا سانی مراکز و ستمگری رژیم و مراکز حاس دولتی سیرا از جمله وظایف دیگر جوجه های رزمی محسوب میگردد.

در لحظه کنونی که از رجا عتقا تمام سیروهای خود را علیه جنبش انقلابی ایران بسجح کرده است تحت وسیعی از وظیفه تسلیماتی سازمان از جمله بخش اعلاسه ها و سبنا به - ها را جوجه های رزمی برعهده دارند.

دردوران کنونی که نه یک دوران - رگودسیا بلکه یک دوران انقلابی است و شکل عمده جنبش به اشکال قانونی بلکه اشکال انقلابی است، مضمون تاکتیک های

پروولتری، تعرضی است و در مرحله کنونی تکامل جنبش، تاکتیک های بسجح سیاسی نوده ها همچنان تاکتیک های عمسسه ما محسوب میگردد، و تاکتیک های نظامی جزد بریحی مساطی نظیر گردستان - یک تاکتیک فرعی محسوب میگردد.

در این دوران ایجاد کمینه های مخفی اعتبار مشکل از عناصر است. و کارتری در کارخانه ها به منظور برپایی یک - عمما - عمومی سیاسی، ایجاد کمینه های مخفی - هماهنگی در ادارات دولتی و مداری - ایجاد هسته های مقاومت در محلات و مناط روسا فی در زمره مهم ترین وظایف محسوب میگردد.

در این دوران استفاده از اشکال قانونی مبارزه و سرکت در سنداگاها، - ایجاد دیدا، شوراهای و تشاوی های موجود به تنها محاربه ضروری است. اما باید در نظر داشت که استفاده از اشکال قانونی مبارزه و سرکت در اشکال های قانونی

باید نحوی صورت گیرد که هیچگونه توهمی در میان نوده ها نسبت به حاکمیت موجود بدسنا وارد.

و بالاخره نظریا اینکه در شرایط سنداگا زبرودن انقلاب، امکان شکست با نیروی آن هر دو وجود دارد. از این رو سازمان دهی با سنداگا برپایی یک سازماندهی مخفی و بسجح فرار داید.

این سازماندهی مخفی باید از طریق ساجک های حسی خود با وسیع ترین بحث نوده های مردم در ارساط باشد. در همان حال این نخود سازماندهی با سنداگا - چنان انتظاف بر بخورد از با سنداگها - عملا محدود سازات آنکاروا انقلابی

نوده ها، عملی تر و گسترده تر گردند

نظریا اینکه انقلاب دمکراتیک نوده ای ایران با قیام بهمن ماه و اشغال قدرت سیاسی نغذت ارگان سازی - مرکب از نمایندگان بورژوازی و لایه های فوفا سی جرده بورژوازی در نیمه راه - سوق یافته است.

نظریا اینکه این انقلاب دو جنبه متباح به بار آورد و در سیرا سردوران پس از قیام - تطاد میان این دو جنبه متباح انقلاب، به صورت کما کس انقلاب و مدا انقلاب ادا شد یا فتنه است.

نظریا اینکه انقلاب با عکس قطع سیاسی رو رسونده و یک مدا انقلاب مسرکز، مسجح و بسجح شده هنوز نسوا سنده است سلطه قطعی خود را بر انقلاب تا مین کند و نفوی کامل را اجرا نماید.

نظریا اینکه بحران اقتصادی مرمسن موجود که از مدت ها پیش بر سر ارگان - زندگی اقتصادی حاکم را قرار گرفته است نه تنها از دای تحقیر بسا فتنه بلکه مدام به و خامت بیشتر گرایش دارد.

نظریا اینکه سیرا به این بحران مرمسن اقتصادی شرایط مادی زندگی نوده ها - به نخود مافزونی به و خامت میگردید - هم اکنون، بیگاری، گرسنگی، تورم افسار - گسیخته، کمبود کالاها و ما بحتا: ولایه نوده ها سیرا سرجا معده سدا فتنه است.

نظریا اینکه بحران سیاسی موجود که مدام در حال رشد و گسترش است، بحران سیاسی قانونی که بر اساس قوانین موجود و سیستم حکومتی موجود قابل حل باشد بلکه بحران انقلابی است که تغییر و تحولات زبر را میطلبد.

نظریا اینکه اکنون اکثریت عظیم نوده - ها هرگونه توهم به حاکمیت، امکان تغییر از لایه بسجح شرایط زندگی خود را در وضعیت کنونی از دست ندها بدو نوده - های وسیع کارگروه ها ن تحقیق خواست - های خود را در وضعیت موجود نا ممکن می دانند.

نظریا اینکه سبنا ست سرکوب و احساق و سلب ابتدائی ترین حقوق و آزادی های سیاسی مردم در کنار و خامت شرایط مادی زندگی نوده ها بر عرق و زرفای بحران - اقتصاد و سیاسی موجود خواهد فرود.

نظریا اینکه در دوران پس از قیام علی - رغم فتنه های موقت در سنا زرات آشکار و انقلابی نوده ها جنبش در کلینت خود شکل انقلابی خود را از دست ندها ست، و هضم - چنان چشم انداز سنا زرات آشکارو عالی - نرتوده ای از جمله وقوع یک قیام مجددا و اشکال گوناگون یک جنگ داخلی گسترده وجود دارد.

لذا وظیفه اساسی که اکنون در سیرا جنبش انقلابی ایران فرار داید، تکمیل انقلاب دمکراتیک نوده ای ایران است و ندادارک قیام به صورت امری فوری در دستور کار قرار گرفته است.

تدارک قیام با بدو وجود به عمسسته، تدارک سیاسی و نظامی قیام به مو - - - - -

تدارک سیاسی و نظامی قیام به مسترم سازماندهی جنبش نوده ای و در سیرا آن سازماندهی جنبش توسط کارگروه عنوان بسجحترین - طبقه است که می توانا سدا انقلاب را به سزحاجم قطعی اش برساند.

تدارک نظامی قیام با مل سازماندهی جوجه های رزمی، ایجاد کانون های - پارسی، آموزشی و بسجح نوده ها - تدارک تسلیماتی و مالی برای قیام -

قطعا مه در باره تورای ملی مقاومت

نظریاتیکه "تورای ملی مقاومت" بر آرزویدانه‌های ۳۰ خرداد از اتحاد جماهیر خلق وینا صادر شد گرفت یک اختلاف میان بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی محسوب می‌شود.

نظریاتیکه این اختلاف همانگونه که در پیروسی عملی خود در برنا مه و نوا کتیک نشان داده است، مغایرتی منافع و مصالح انقلاب و بیروزی قطعی آن محسوب می‌گردد.

لذا ورود به این اختلاف مجاز نیست. اما از آنجا که روش سیاسی پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک بر این پایه می‌بایست است که از موضع پافشاری روی دمکراسی بره‌سری، دمکراسی انقلابی (خرده بورژوازی) را حذف و ملحق کند، اختلاف را به بیروزی قطعی رساند.

از آنجا که در نهادهای یکسان در حین تدارک میانه به صورت انحصاری و قسوری در دستور کار بورژوازی است و اتحادیست و دمکراتیک است، اختلافی و غیر اتحادیست و دمکراتیک محسوب می‌شود.

لذا عدم ورود به این اختلاف به معنای اتحادیک موضوع سیاست در برنا مه است. سیاست پرولتاری در برنا مه "تورای ملی مقاومت" می‌باشد در جهت درهم شکستن اختلاف لیبرالها و دمکراتها، و جدا کردن دمکراتهای انقلابی از لیبرالهاست.

فنا را از پائین اسلوب انقلابی انجام این وظیفه محسوب می‌گردد و شیوه‌ای عملی این مبارزه از یکسوی زمان ندهی مستقل جنبش طبقه کارگر و توده‌های مزدوم، منبذی بر اصول مطرح در قطعا مه "وضعیت کنونی، وظایف و تاکتیکهای ما" و از سوی دیگر تلاش در جهت ایجاد یک آلترنا تیوا انقلابی بر اساس اتحاد نیروهای چپ انقلابی و با لایحه اقصاء ناپیگیری دمکراتهای انقلابیست.

این سیاست بهیچوجه نافی اتحاد عمل با توده‌های سازمان مجاهدین خلق در عرصه مبارزه طبقاتی، و حمایت مشروط از مبارزات شوراه در جهت منافع جنبش توده ای هورت گیرند نیست.

سازمان مجاز خواهد بود که بر اساس برنا مه حداقل پرولتاریا در اتحادیست و اتحادیک تاکتیک با دمکراتهای انقلابی وارد اتحاد شود، از اینرو اتحاد با سازمان مجاهدین خلق برپا به برنا مه حداقل پرولتاریا در اتحادیست و اتحادیک تاکتیک با بورژوازی در هم شکسته شده باشد.

تصحیح وپوزش

در کار شماره ۱۴۰ صفحه ۱۲ قطعا مه مربوط به مبارزه آیدئولوژیک علنی، تنها می‌بایست حق گرایش مطرح می‌شد چرا که در کنگره اساسا "پیشنهادی در مورد مسئله حق هیئت نویسندگان ارائه نشد و این اشتباه از سوی تنظیم کننده مقاله صورت گرفته که با این ترتیب اصلاح می‌گردد

قطعا مه در مورد اعضای متعفی

طولانی بوده و حدود ۳ ماه باشد، آنان طرح خود را بعنوان طرح را ارائه دادند. کمیته مرکزی وقت سازمان نیز طرحی برای دستور جلسه ارائه داده بود که متن آن از مدت به ماه و اساسا جدا طرح اعضای متعفی منطبق بود، طرح کمیته مرکزی وقت سازمان با توجه به اینکه ما هیئت نظرات و ادعاهای این افراد بسیار مبهم است. مثل مورد اختلاف و از جمله مسائل آیدئولوژیک علنی روشن شده بود، توسط شرکت کنندگان تصویب و غیرتغییر خواست شرکت کنندگان مبتنی بر ادامه حضور آنان در آن کنگره با این وجود آنان کنسرد را ترک کردند.

از این رو کنگره تصمیم خود را در مورد این افراد بشرح زیر اعلام می‌دارد:

۱- اعضای متعفی که دارای تمایلات رفرمیستی بوده و پس از نشناختن متضاد تلاش می‌کردند موضوع انحرافی خود را درون سازمان روشن دهند، و در این بین او را خرابا بیجش‌های تند موجود یکلی از مواضع آیدئولوژیک - سیاسی سازمان عدول کرده بودند، در کنگره نیز نشان دادند که به هیچ روی حاضر نیستند درگیر یک مبارزه آیدئولوژیک اصولی شوند، پس از آنکه در یک میانه همه جا تبه درگیر شوند، کوشیدند مبارزه آیدئولوژیک اصولی را با انحراف استغفار و کناره گیری از مبارزه به تخریب بکشانند.

۲- عمل آنان از لحاظ اصولی ناموجه و فاقد پرنسپیت‌های مبارزاتی بوده و نافی از روی گره افغانی، جنگی ما یوسا نه از مبارزه بوده است.

۳- این اقدامیک نوع تشکیلات شکنی و پشت پا زدن به تعهد مبارزاتی محسوب می‌گردد و نتیجه آن عبارت است از رسوخ بی پرنسپیتی در مبارزه درونی و عدم اعتقاد به کار انقلابی.

۴- بنا به دلایل ذکر شده کنگره این افراد را بعنوان عناصر فرصت طلب و سازمان شکن از صفوف سازمان طرد می‌نماید.

نظریاتیکه جندی بیش از برگزاری کنگره چندتن از اعضای سازمان استعفا داده و علی الظاهر دلیل اصلی استعفا خود را عدم انجام فوری مبارزه آیدئولوژیک علنی قلمداد کرده بودند. نظریاتیکه مرکزیت سازمان پذیرش استعفا این افراد را برگزاری کنگره خودداری کرده و از آن خواسته بود که با توجه به نظرات تشکیلاتی مسائل خود را در کنگره طرح کنند و با انجام وظایف محوله سازمانی خود ادامه دهند، لیکن آنان از این تصمیم سر باز زده بودند.

نشست کنگره به منظور بررسی این مسئله و آگاهی کامل از مسائل مورد اختلاف، با معایب را بتصویب رساند و در باره آنان خواست که در کنگره شرکت کنند و مسائل خود را در کنگره مطرح نمایند. در نامه همچنین قید شده بود که مضمون نشست نیز با حضور آنان تعیین خواهد شد. متعاقب این نامه آنان استعفا خود را پس گرفته و در نشست حاضر شدند. پس از حضور اعضای متعفی در کنگره و بحث و گفتگو پیرامون مسائل مورد اختلاف، مضمون نشست را با این نحو آنها پیشنهاد می‌کردند:

الف- این نشست تنها به یک پلنوم وسیع قلمداد شده و تنها بر سر برنا مه سیاسی سه ماهه سازمان تصمیم گیری نماید.

ب- اساسا مه سازمان بنحوی تنظیم شود که معیار عضوگیری همان معیارهای گذشته باشد.

ج- بر سر مسائل انقلاب جهانی، عصر و آلترنا تیوا لیسم پرولتاری موضوع گیری و تصمیم گیری نشود.

د- زمان نشست بعدی به معیار کنگره تعیین تکلیف از هم اکنون مشخص شود و با این تذکره که این مدت نباید

قطعا مه پیرامون شیوه پیشبرد مبارزه آیدئولوژیک علنی

خواهد کرد.

۲- از گروه‌ها و سازمانهای دیگر، بسا توجه به خط سیاسی - تئوریک شان (که به خط ۲ شناخته می‌شوند) دعوت می‌شود که در این مبارزه بطور فعال شرکت کنند، نویسندگان می‌باید با نامهای فردی (همراه با نام گروه یا سازمان) به بحث بپردازند.

۳- بولتن می‌باید بطور مرتب و با فاصله یک تا دو ماه انتشار یابد.

۴- مباحثات داخلی از طریق ارگان تئوریک داخلی هدایت می‌یابد.

۵- مباحثات دربارها استرانی و تاکتیک، وظایف پرولتاریا در انقلاب آلترنا تیوا لیسم پرولتاری و

نظریاتیکه:

۱- جنبش کمونیستی ایران در پراکنده و تشتت بسر می‌برد. فقدان برنا مه منسجم و خط سیاسی معین در جهت مداخله در مبارزه طبقاتی، به دامنه بحران حاضر و مستعد می‌بخشد و منجر به تجزیه نیروهای چپ می‌شود.

۲- مبارزه آیدئولوژیک علنی، یک ابزار ضروری جهت حل بحران است، که راه را برای دستیابی به برنا مه انقلابی و احداث تئوری انقلابی پرولتاریا هموار می‌کند.

لذا کنگره می‌پذیرد:

۱- یک بولتن مباحثات در سطح جنبش انتشار می‌یابد این بولتن توسط هیئتی تنظیم و هدایت خواهد شد. هیئتی که منتخب کنگره است و رهبری سازمان بر آن نظارت

پرولتاریا با جنبش طبقه کارگر پیشیناز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران



پیام به

شرکت کنندگان در اولین کنگره

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

رفقای جنبش چپ انقلابی شیلی (میر)

رفقای چپ انقلابی شیلی!

گرمترین درودهای کمونیستی ما را برپدیرید. ما شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران یکبار دیگر از مبارزه قهرمانانه خلق شیلی علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پاپیگانه‌های آن در شیلی، که اکنون بصورت مبارزه قهرمانانه مردم شیلی علیه دادرسته نظامی حاکم تجلی یافته است، حمایت و پشتیبانی کامل خود را اعلام می‌کنیم.

خلیقای ایران و شیلی روزبه‌روز به آرمانهای مشترکی که اکنون بشریت در مقابل خود دارد، بیشتر و قوی‌تر می‌ایستند. و کارگران شیلی و ایران به اتحاد برادرانه کارگران سرسازجهان و وظائف انترناسیونالیستی خود بیشتر پی می‌برند زیرا خصم همه خلیقای یک است و آنهم -

امپریالیسم و تمام مترجمین وابسته‌ی آن و راه‌ما یکی است و آنهم سرنگونی قهرآمیز رژیمهای ارتجاعی و درهم شکستن ابزارهای سلطه‌طبقاتی امپریالیسم و بورژوازی -

جها نیست، هدف نهایی ما نیز یکی است و آنهم بنای جامعه‌ای نوین، جامعه‌ای تپه‌ای از هرگونه ستم و استعمار برپوری -

ویرانه‌های نظام طبقاتی نیست. اکنون در این راه پرشکوه خلیقای ایران و شیلی با یک مبارزه سهمگین روبرو هستند، اگر در شیلی کارگران و دهقانان و انقلابیون همه روزه در معرض تعرضات، سرکوبها و فشارهای دادرسته رژیم نظامی پینوشه جنتیکار قرار دارند، در ایران نیز روزانه دهها انقلابی به جوچه‌های اعدام‌شده می‌شوند و کارگران دهقانان و تمام توده‌های مردم توسط ارگانهای سرکوب رژیم خونخوار خمینیسی بگلوله بسته می‌شوند. در این مبارزه خلیقای ایران از همه دوستان و متحدین خود در سطح جهان انتظار دارند که در راه افشای جنایات این رژیم بکوشند.

مردم ایران از "میرنیز بعنوان یک سازمان انقلابی و کمونیستی که در مجامع بین‌المللی از حیثیت و اعتبار زیادی برخوردار است انتظار دارند که هر چه بیشتر در جهت افشای رژیم جنایتکار حاکم بر ایران بکوشد.

سازمان ما از پشتیبانی‌های شما که طی چند سال گذشته، بویژه طی چند ماه گذشته از ما و خلق ایران نموده، صمیمانه قدر دانی می‌نمایم و انتظار داریم که با بستن حمایت‌ها ادامه و گسترش یابد.

تردید نداریم که مبارزه قهرمانانه خلیقای آمریکا را لاتی‌ها همانگونه که انقلابی کبیر و قوی‌تر را پیش‌بینی کرده بود هر روز در عالی‌ترین شکل آن گسترش می‌یابد و در پیوند با مبارزات کارگران و خلیقهای سرسازجهان امپریالیسم جهانی و وابستگان آنرا به گورستان تاریخی خواهد سپرد.

ما به این پیروزی می‌اندیشیم و تمام دشواریها و سختی‌ها شیکه اکنون یا آن - روبرو هستیم، با تجسم یک لحظه از آن - پیروزی، از یاد نمی‌روند.

شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران یکبار دیگر از نقشی که می‌زدر جنبش انقلابی مردم شیلی ایفا نموده است و از مبارزه ایدئولوژیکی که علیه رژیم پینوشه در شیلی نموده است قدر دانی و ستایش می‌کند.

زنده‌با دهمستگی انترناسیونالیستی خلیقهای ایران و شیلی -
مرگ رژیم خونخوار پینوشه -
مرگ رژیم خونخوار خمینی
مستحکم‌با دپیوند "میر" و "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران"
نا بود با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پاپیگانه‌های خلیقش

شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پیام شرکت کنندگان در

اولین کنگره

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
به رفقای هوادار سازمان
در خارج از کشور

رفقای شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن گرمترین درودهای انقلابی بر مبارزات بی‌امان و تلاشهای بی‌بکر شما علیه رژیم ضدانقلابی ارتجاعی حاکم بر ایران ارج می‌نمایم.

مبارزه شما در سطوح بین‌المللی و جبهه دیگر از مبارزات دموکراتیک - ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشسان میهنمان علیه رژیم ترور و اختناق حاکم محسوب می‌گردد و تاکنون نقش بسیار مهمی در افشای رژیم و آگاه‌سازی مردم سرسازجهان ایفا کرده است.

رژیم عوام‌فریبانه می‌کوشد جبهه واقعی خود را از نظر رجهان بنیان در دو جبهه جنایات شکنجه خودسرانه بگذارد، مبارزات شما در افشای جنایات رژیم و حفظ امنیت مبارزات توده‌های مردم تا حد زیادی به آگاهی مردم جهان از ماهیت این رژیم کمک کرده است.

رفقای اکنون وظایفی با اهم سنگین تر بردوش شما قرار دارد، شرایط حاکم بر ایران هر روز مبارزه را به مرحله قطعی تر نزدیک می‌کند، و توده‌های مردم برای یک نبرد سرنوشت -

سازمان ما می‌شوند، رژیم پینوشه با بستن لحظات حیاتی سنگین خود به فحیح ترین جنایات دست می‌زند، تا مگر خود را از سقوط جسمی نجات بخشد، از اینرو شما نیز همانند هزاران هزار فدائی دیگر وظیفه دارید که در این لحظات سرنوشت ساز، تلاشهای خود را بدهد و مبارزات سراسر جهان برچم مبارزه علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را بر افراشته تر نگهدارد.

پیروزی با د انقلاب
سرنگون با رژیم جمهوری اسلامی
نا بود با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پاپیگانه‌های خلیقش

شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



پیام اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به رفقای کمیته

تداو کات و رفقای که دو محل این کنگره برای بویگاری

آن فعالیت کردند

رفقای به پاس حسن وظایفی که در این مدت برای برگزاری نخستین کنگره سازمان از خود نشان داده‌اید و با تمام وجود سازمان را در راه پیشبرد اهداف انقلابی با ری رسانده‌اید، پرشورترین تشکرات ما را برپدیرید، بی‌تردید، -
جانفشانی‌های شما همچون تلاش دهها

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائی بخش جهان

لهستان در معرض يك آزمون تاریخی

بحران لهستان که پس از گذشت بیش از یکسال در هفته‌های اخیر با دو خمی بخود گرفته بود، با اعلام حکومت نظامی توسط یارونسکی دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحده کارگران لهستان در ۲۲ آذر و اقدامات نوبتی شد، خبر مربوط به اعلام حکومت نظامی در لهستان و کنش‌های گوناگونی را در سراسر جهان برانگیخت. در حالیکه مرتجعین سراسر جهان و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا این اقدام حزب متحده کارگران لهستان را محکوم کردند و بر ازدست رفتن آزادی‌اشک تماشای ریختند، بسیاری از دولت‌های سوسیالیستی، احزاب کمونیست و نیز برخی از احزاب رفیقیت به تائید کامل آن برخاستند.

امپریالیست‌ها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا که اکنون جا رو جنجال‌های تبلیغاتی خود را بر سر مسئله لهستان افزایش داده‌اند، مدتها تلاش نمودند تا با بسط مداخله خود در امور لهستان و حمایت از نیروهای مرتجعی که در "همبستگی" لانه‌گزیده بودند، نه تنها بر بحران لهستان و رشد نا رضایتی در این کشور دامن زیند بلکه بیگریانه تلاش میکردند تا بموقعیت استراتژیک لهستان این کشور را از چنگ کشورهای ای اردوگاه سوسیالیسم جدا سازند و با اردوگاه خود ملحق سازند. از این رو - اکنون که تا حدودی این نقشه‌های آنها نقش بر آب شده است، تمام تلاش تبلیغاتی خود را بر سر مسئله لهستان متمرکز کرده‌اند اما اشتباه بزرگی است هر آنکه کسی بخواهد از مداخله امپریالیست‌ها و حمایت پشتیبانی آنها از نیروهای مرتجع لهستان این

نتیجه را بگیرد که برقراری حکومت نظامی راه حل بحران لهستان است. خبر اریشه بحران عمیقاً "درخود لهستان حزب متحده کارگران لهستان نهفته است. روش‌های نا رضایتی در میان توده‌های مردم لهستان و پرولتاریای این کشور، شکل گیسری همبستگی و بروز بحران اقتصادی - سیاسی در آن کشور، نه از آسمان نازل شده است، و نه کالای صادراتی امپریالیسم محسوب میگردد.

ریشه بحران لهستان در عدول از سوسیالیسم و انحرافات ایدئولوژیک تمام اجزای نهفته است که پس از مرگ رفیق استالین از خط و مشی بیگسری پرولتاری عدول گردید و با پذیرش نسخه‌های ریویزیونیستی خروشف، سوسیالیسم را تا بدان حد با انحطاط کشاندند که امروز در لهستان کارگران در مقابل حزب و دولت خود قرار می‌گیرند، و سوسیالیسم با بحران اقتصادی و سیاسی روبرو میگردد، و آنچه است که پس از گذشت نزدیک به ۴۰ سال، در یک کشور سوسیالیستی و خاتمه و افراط اقتصاد و سیاسی بی‌بهره مرحله‌ای برسد که حکومت نظامی برقرار شود. ما چنانچه است که طبقه کارگر لهستان با آن همه سنت‌های مبارزاتی به رهبری جریاناتی که در دهه‌های گذشته با پوسه می‌زنند و تصویر پاپ را بر سینه می‌آویزند. از این رو بیش از آنکه هر کمونیست بخواهد امپریالیسم جهانی و همه مرتجعین را محکوم کند، باید در حزب متحده کارگران لهستان را سرزنش کند که با انحرافات ایدئولوژیک و سیاست‌های غلط خود - جامعه لهستان را به مرحله‌ای از بحران -

سوق داده است، که مرتجعین جهان قادرند سیاست‌های خرابکارانه و فساد نقلی خود را در آنجا پیش برند. از این رو امروز نیز اعلام حکومت نظامی در لهستان راه حل بحران نیست، برقراری حکومت نظامی یک درمان لحظه‌ای و تا آنجا قابل تائید و حمایت است که جلوگیری از بکارانه امپریالیسم را سد کند. و مانع بقصدت رسیدن مرتجعین میگردد، اما ریسه بحران همچنان با برجا است. حکومت نظامی قادر نیست ریسه‌های بحران را بشکند، راه حل بحران لهستان، درخشکاندن ریسه‌های بحران، در مبارزه با انحرافات ریویزیونیستی، حاکم بر حزب متحده کارگران لهستان، در طرفداری ریویزیونیسم خروشفی، در سپردن ابتکار عمل بدست خود کارگران، در استقرار دیکتاتور پرولتاریا یعنی اخص کلمه و بیونسیدارگانیک حزب و طبقه نهفته است. این یگانه‌راهی است که نه تنها قادر است لهستان را از بحران کنونی نجات بخشد بلکه آن را در برابر هر دسیسه ارتجاع مصنوعی نگاهدارد.

اکنون لهستان در معرض یک آزمون تاریخی قرار گرفته است، با طبقه کارگر این کشور و حزب متحده کارگران لهستان از تجربه گذشته خود می‌آموزند و با طرد انحرافات و اشتباهات فاطعانه به پیش می‌روند تا آنکه با حفظ انحرافات ایدئولوژیک - سیاسی خود زمینه را برای گسترش هر چه بیشتر نفوذ بورژوازی و بحران‌های وخیم تر و عمیق تر فراهم میکنند.

بازرسی کل کشور تقلیدی از باورسی شاهنشاهی

اخیراً رژیم دست به حیل‌های گه‌گه‌شده‌ای زده و هیئت‌هایی را مامور رسیدگی به شکایات مردم نموده است از جمله اینکه چند مزدور رژیم با مورسیدگی به وضع زندان اوین و سایر زندان‌ها شده‌اند. انقلابیونی که هم‌اکنون یا در زندان‌ها هستند و یا در صحنه مبارزه با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی حضور دارند خوب بخاطر دارند که در سال‌های آخر رژیم شاه و همزمان با اوج گیری جنبش خلق، هیئتی از سوی دربار به بازدید از زندان‌ها رفت و هدف از این حیل‌ها تائید این بود که به اصطلاح شاه زنجاریات مزدورانش در زندان‌ها بی اطلاع است و این هیئتست می‌خواهد به بررسی اشکالات بپردازد. اما نه تنها زندان‌ها انقلابی آنان را به زندان‌ها راه ندادند بلکه مردم قهرمان ایران نیز فریب این نیرنگ‌ها را نخورده و هیچگاه دست از مبارزه برنداشتند. - بالاخره با دست‌های توانای خود فرزندان انقلابیشان را آزاد ساختند. اینک رژیم

معامله با امپریالیست‌ها

حال اگر کشیهای امریکائی را که مدتها پیش دورا ساحل خلیج فارس - لنگر میا ندادند و کشیهای ایرانی - سلاح‌های مورد نیاز ایران را از آنها با رگیری کرده و به ساحل می‌آورند و اکنونی حاصل انواع سلاح‌ها که مرتباً از ایستگاه‌ها راه آهن تهران تخلیه میشوند را به سخنان و قیاس نه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی بیفزاییم، روشن میشود که این جنایتکاران تا چه حد - امپریالیست هستند و مشخص میشود که شعراهای فدا امپریالیستی آنها تا چه حدی بی محتوا بوده و هدفی جز فریب مردم ندارند.

خمینی نیز در کلیه زمینه‌ها به تقلیدی تا شیاه زهمان ترفندها پرداخته و حال آنکه مردم ایران با کسب تجارب از نیرنگ‌های گوناگون رژیم گذشته، جنایات دژخیمان خمینی را از خود و کل رژیم جدا ندانستند و مبارزه برای آزادی فرزندان انقلابیشان را حرنی از مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی میدانند.

سال نو مسیحی

بقیه از صفحه ۱ فشارهای فرهنگی واجتماعی قرار دارند. سلب آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک از سوی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی گرچه مشمول همه خلق‌های ایران نیست اما این بخش از هموطنانمان حتی از بزرگاری - مراسم مذهبی و یا آموزش زبان خود نیز محرومند و در عوض مزدوران رژیم در مدارس دانش‌آموزان مسیحی را وادار به خواندن نماز و پوشش اسلامی میکنند که با مقابله یکبار چندان آموزان مواج گشته است. اما همچنانکه این بخش از هم‌میهن‌مان آگاهند مبارزه برای خواست‌های دمکراتیک جدا از مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی نخواهد بود.

ما ضمن تحریک به هم‌میهن‌ان زحمتکش مسیحی، ایمان داریم که سال نو آغاز مبارزه‌ای پر شکوه از سوی کلیه خلق‌های ایران بر علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی باشد.



آوارگان جنگ را سازمان دهیم

در مدت بیش از یکسال که از جنگ ارتجاعی و خانمانسوز دولتهاي ایران و عراق میگذرد، بیش از ۲ میلیون نفر از توده های محروم میهنمان از خانه و زندگی خویش آواره شده اند، آوارگان جنگ از آوارگان غناستهای ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی را بیدار کنند، از آوارگان تنهاتنها در رابطه با جنگ بیشترین آسیب را دیده اند و این خود نتیجه مستقیم سیاستهای ارتجاعی رژیم است بلکه در رابطه با اسکان در سایر شهرها و اردوگاههای آوارگان ستم سرما به راه گشای زسوی رژیم بر تمامي خلق حاکم گشته است به عربیان ترین شکل خود لمس کرده اند، از با فعل ترین نیروهای موجود برضد رژیمند.

زندگی فلاکت بار آوارگان اینک - آنچنان عیان است که نیا زچندان به توصیف نداد. فقر بیداد میکند، لقمه نان با بدبهر صورت و بیهوشی تهیه کرد در زیر کمر بسیار راحت تر از سایر نقاط بر - خا نوا ده جنگ می نداد ز دو این عمده ترین مسئله موجود است. تلاش جهت بقا، آنگاه که بر این مساله سیاستهای ضد خلقی رژیم و حیوان صفتی مزدوران و جلادانش را بیغنا بیم به راحتی میتوان به علل رسید. فحشا، دزدی و وکدایی در میان آوارگان جنگی پی برد. با چنین شرایطی سخن گفتن از گزافی، بیکاری و بیخا نمایی بیپوده است زیرا سر آنجا که توده های محروم میهنمان را، کارگران و زحمتکشان سرا سر ایران از فشار گرانی و بیکاری به سته آمده اند و نودخ حاکم بر آوارگان روشن است. بپهرو ما با رها گزاش متعدهدی از وضعیت حاکم بر اردوگاههای آوارگان ارائه داده ایم. چنین وضع شفقت باری که ویژگی عمده آن نبود آب، کمبود غذا، محیط غیر بهداشتی، بیکاری، کثافت، نبود کثرواد، نبود سرینا و بلاپوش، ویا بیزبانی ساده تر مرگ تدریجی است در رابطه با جنگزد گانی که در گوشه و کنا ر شهرها و روستاها نیز پراکنده اند.

موجود است. آری! بیش از ۲ میلیون از هسهم - میهنان ما در سخت ترین شرایط با مرگ و زندگی دست و پنجه نرم میکنند. ما در شرایطی که کابوس گرسنگی، سرما، بیماری، کابوس مرگ در هر گوشه سا شده افکنده است. در این میان، بر آشسر تجا رب عملی (ومتعده) ما هیت رژیم که با سیاستهای ضد خلقی خود و همچنین در رابطه با تداوم جنگ ارتجاعی مسئول مستقیم شرایط حاکم بر جنگزدگان است بخوبی بر آوارگان روشن گشته است. در شرایطی که مرگ آوارگان را در جنگال خود میگذرد بر آرشیا ستهای رژیم، سرما به داران و تجار روز بوز و شومند تر می شوند، در شرایطی که دهها نفر در تاقی کوچک بدون شیشه و در زیر یک یا دو پتو می لرزند، آب رمانها و ویلاها و مساکن سرما به داران در شهرها با خالی افتاده است ویا توسط مزدوران اشغال میشود، در شرایطی که میلیونها آواره جنگی حتی لقمه نان بی بر سفره ندارند، میلیونها کیلو

مواد غذایی توسط سرما به داران و تجار مورد حمله و زخمی در اینها رها احتککار گشته است. رژیم میلیونها تومان کمک مالی توده ها، صدها هزار ریتو، لباس، کفش و سایر بیوشاک و هزاران کیلو مواد غذایی را که از سوی مردم جهت کمک به آوارگان داده شده عملاً و علناً "به جیب مزدوران خود سرا زبر نمود."

رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در - رابطه با آوارگان و نیروشیا نه ترین شکل سرکوب و کشتار و اختناق را اعمال مینماید. سرکوب آوارگان، تحقیر آنان، سلب تمامی حقوق اولیه انسانی، شورا ندن توده های متوهم بر علیه آوارگان، همه و همه از اینروست که آنان در مناطق جنگی نما نده اند تا گوشت دم توپ گردند! (از آنجمله آب بستن زیر آوارگان در شیراز و سیخ مردم متوهم بر علیه آوارگان در اصفهان) کشتار و ضرب و شتم و دستگیری آوارگان تنها به علت خواستن کار، مسکن و آزادی (از - آنجمله سرکوب آوارگان در جیرفت) - پاسخ دادن به هرگونه اعتراض با گلوله، همه و همه با نگرسیاستهای رژیم در مقابل آوارگان جنگی است. اینک در اردوگاه - های آوارگان در رابطه با آوارگان جنگی که در شهرها سکنی یافته اند شدیدترین جو خفان و سرکوب، تفتیش عقاید و سانسور حاکم است، تعهدات به های متعدد، پرسش - نامه های رنگارنگ، تهدید، استسراق سم، حضورا جباری در نما زجمه و سایر مراسم نمائینی رژیم و... هر حرکت تسخیر منجر به دست دادن سر پناه و یا قطع جیره غذایی میگردد. با سداران سرما به بجان و مال و ناموس آوارگان حاکمند و سیاستهای ضد خلقی رژیم را به اجرا در می آورند.

تعمای این سیاستها به همراه فشار روزافزون زندگی، وسیعترین توده های آوارگان جنگی را که از زحمتکش ترین اقشار خلق تشکیل میگرددند - و این در - حالیکه شترو تمندان مناطق جنگی در اولین فرصت با سرما به و ما بملک خود زندگی را الوصفتا نه شان را به دیگر مناطق منتقل کردند - به نیروی کمالاً بالفعل برضد رژیم بدل ساخته است. نیرویی که نه تنها اکنون چون بشکهای با روت حیات رژیم را تهدید میکند بلکه پس از تیان یا فتن جنگ نیز یکی از مهمترین - کانونهای مبارزات بر علیه رژیم خواهد بود.

با یاداعان داشت که هیچیک از نیروهای انقلابی و مترقی بهای کافسی به سا زماندهی مبارزات و اعتراضات آوارگان جنگی نداده اند، اما بپهرو با آوارگان را در خدمت انقلاب سا زمان داد. با دیده آوارگان گفت، هر چند بمب ها، راکت ها و گلوله های توپ صدام ساکن شهرهای شما را ویران ساخته است اما شما نیز مانند زحمتکشان عراق طعمه های جنگال خود خوا رسما به اید. با دیده آوان گفت رژیم جمهوری اسلامی با سداران - "نظمی" است که آوارگی، جنگ، فقر و فلاکت

وسی خانمانی شما را سب شده است. با دیده آوان گفت تا رژیم جمهوری اسلامی و با هر رژیم سرما به داری دیگری بر ایران حاکم است صلح، امنیت، آرامش، کار، مسکن، آزادی معنایی نخواهد یافت. با دیده برای آوارگان روشن ساخت که - وظیفه کارگران و زحمتکشان هر کشور در اولین وهله سا زمان دادن مبارزه جهت سرنگونی رژیم سرما به داری حاکم بر کشور - شان است و از اینروست که جهت تحقق شعار استقلال، کار، مسکن و آزادی با بسد تمامي نیروی خود را بر علیه رژیم جمهوری اسلامی بکار گرفت.

با دیده خواهی مشخص و ملموس - آوارگان جنگی را با لسه با ما هیت ضد خلقی رژیم گزیده و تمامی کینه آنان نسبت به فقر و فلاکت خود را بر علیه رژیم متمرکز نمود. با دیده سا زمان ندهی تبلیغات سیاسی در میان آوارگان در عین سردن - آگاهی به میان آنان بر جو رعب و وحشت حاکم فائق آمد. هر چند آوارگان جنگی اینک تحت پوشش شدید تبلیغی و تحت فعالیت تبلیغاتی وسیع رژیم در زندانی به بعد تماماً می اردوگاههای آوارگان اسیرند اما تاریخ بدستی نشان داده است که ما را از حصارهای تفتیش و سانسورهای نیست. با دیده لیبتهای انقلابی را به قلب اردو گاههای آوارگان برد. با دیده با بردن ایده های انقلابی به میان آوارگان، وسیعترین اقشار آنان را بسیج نمود. این عمل تنها با حضور در میان - آنان، حضور عملی در زندگی روز مره - آنان و شرکت در درد و درونشان مسرات - با دیده تار روزمره آنان را جمع بندی - نمود و با سمت و سودا دن به اعتراضات آنان مبارزاتشان را ارتقاء داد.

از اینرو تمامی هوادارانی که در میان آوارگان جنگی زندگی میکنند وظیفه ای بس سنگین بردوش دارند. با دیده مبارزه ای بیکر، تبلیغی وسیع و کوششی همه جانبه را سا زمان دهند، با دیده تمامی رهنمودهای سا زمان در مورد حرکات سیاسی و بسیج و سا زمان ندهی توده ها را بکار بندند. با دیده توده وسیع آوارگان جنگ را سا زمان داده و حرکت در آورند. در این میان - هوادارانی که در شهرها سا کنند که آوارگان جنگی در آن سکنی دارند نیز با دیده باری رفقای خود در میان آوارگان بنشاند. با عظیم بخش اعلامیه و تراکت و دستنویس، شمارنویسی و توزیع نشریه با دیده بردوش هواداران اخیراً شد. با دیده جای ویژه ای را در فعالیت های انقلابی خود به تراثت ها و اعلامیه های مخصوص آوارگان داد. با دیده خواسته، هرا اعتراض و هر کمبود را به جرقه ای جهت شعله ور - ساختن کین نهفته آنان بدل ساخت. باید انقلاب را به پیش راند.



از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

گزارشی نگارنده‌ها

کردند در این اتاق چندساعتی را زحمت بودند که از افراد مختلف با چوکی میگردیدیم این را عنوان وجواب اوامه شلاق در محل حرکت نکردی را میخواستی و اینست چیست بدین وجه نفری در گفتند دستها را بگذارید روی سینه هم و بروید دست بفرار اول را یک ساعت گرفتیم این وضع ادامه داشت تا ساعت ۴:۵ بعد از ظهر در این ساعت ما را صدا زدند و در در یک سالن بزرگ و خلوت یکی از اطالان - هائیا بنویسی را بدهد حل اطمینان بردند و بیرون صدای انفجار را شنیدیم و فریاد انقلابی شجاع و جانشانی بدگوشی غیرسند صدای این افراد به شرح حساب میسر شد صدای اسلحه‌ها را از جلدگاه اطراف کی بگیرد با رهمیست به تخت روی تخت با رهمیست را بدست آورد و این کم فضای آن دهم را بر کرده بود و از طرفی صدای فریاد می‌گفت آخ - آتش گرفتیم سوختم و دیگر که میگفتند آتاقی با زجر ما را بین بیا و برید و صدای افتادن شخصی که من فکر کردم او را انداختند روی زمین و صدای شلاق و صدای اسلحه را از جلدگاه با خوشحالی خدا می‌آید خدا یا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار و مرگ بر منافق و انگیزه انگیزه را سسر میدادند تا آن را به خدا نفع میسر اند خلاصه بعد از حدود یک ساعت مرا به یک - اطاق بردند از آنجا به تذکرات که به علت زیاد بودن تعداد دستگیرشدگان هر یک از جوئی در هر دقیقه حداقل ۶ نفر را به اطاق با زجر می‌آوردند و از این تعداد بعد از زجر جوئی تعدادی را به اطاق شکنجه می‌فرستادند و تعداد دیگری را هم با زجر می‌نکردند به این ترتیب که از یک نفر اسمش را می‌پرسید و یک ورقه به او میدادند تا سوالات را جواب دهد و به سرعت دیگری میرفت و باز بعد از مدت کمی به سرعت اولی یا دیگری میرفت این شکل هم وسیله‌ای برای شکنجه روحی بود و هم وسیله‌ای برای هر چه سریعتر سرهم بندی کردن با زجر جوئی بدعت زیاد بودن متهمین .

از این اطاق مرا مجدداً "به همان جای اول جلوی همان درب اتاق قبلی بردند پس از نیم ساعت که گذشت مرا مجدداً صدا زدند و به اتاقی بزرگ در مقابل یک نفر که معلوم نبود کیست نگاه داشتند و بعد از این که او گفت آره، ما بیرون آوردند پس از ده دقیقه دوباره مرا به اطاقی نورانی برده گفتند چمتو است یا ایندو چشم بند را بالایزن ، سپس از مدتی که یک نفر گفت آره چشم بند را بیا بین آوردند مرا بیرون آوردند این رفتار وضع روحی مرا خیلی خراب می‌کرد نمی‌دانستم این کارها برای چیست حدود ساعت ۲ بعد از ظهر مرا داخل اطاقی کرده و بعد یک ورقه به من دادند که در آن سوالاتی نظیر اسم ، نام پدر ، نام خانوادگی ، سن ، شغل ، تابعیت ، دین ، محل اقامت ، محل تولد ، همسر داری ، متاهل هستی ، سواد داری ، در بالای این صفحه نوشته بود در همان حین که من این سوالات را پاسخ میدادم نفر دیگری با زجر جوئی میگردید که دونفر آنها را - شکنجه داده بودند پس از نوشتن سوالات به صحافی شفاهی از من خواستند به دور - من گرفتند ، آنها به اطاق دیگری بردند با گفته‌های قلبی من تطبیق

دادند پس از نیم ساعت آمده مرا به اطاق شکنجه برده و خلاصی سالن محقر آستری تخت دستها را بالاکن و زانوهای من را خم کن و دیگر حرکت نکن ، بعد هم رفت از آنجا به دستنگی هی به اطراف آنکه در تمام یک سر آریج دستها را خم کنی آویزان است و با هی آویزان من نظریست و یک نفر دیگر را به تخت بستند و بعد از آن او را آویزان کرده بودند در یک اطاقی - دیگر کردند آن اطاقی به اطاقی ما باز بستند یک نفر دیگر بود که او را شکنجه میکردند حدود ساعت ۱۰ دقیقه گذشت و من به دست خسته بودم و کسی روشی باها نداشتیم که بیفتاده و وقت جرات نشود ای سرور من جوان من صدای و بیخندند من ای سرور من زجر می‌کنی هم بدعا می‌مویا چند کتبه باهام می‌زنی زجر می‌کنی : اگر سرور من را بگوئی با تو منج کاری نداریم و اگر بگوئی تو هم مثل اینها خواهی شد و بعد رفت بدراخ آن یکی که او را آویزان کردند شلاق به ما های آویزان آورده و او از تخت در دریا دمیزد ، من من دارم می‌میرم دستها می‌آورد قطع میشد کمی به من آب بده آن یکی که در اطاق تخت بود می‌گفتند : خواجه من می‌گم و زنه‌ها می‌آورد دست - ها هم دا در قطع میشود جلادها و راهم چند شلاق زدورفت حدود ۱۵ دقیقه دیگر سرگشت آن پسری که آویزان بود گفت : خواجه من می‌کنم صدای را زیر پا می‌گذارم جلاد صدای را زیر پا می‌گذارم و گفت تا جایی که باکی کار می‌کردی و غیره او با زجر می‌گفت من که همه چیز را گفتم چرا این همه مرا شکنجه می‌کنید من آرزوی مرگم را دارم ، خدا چرا مرا می‌کشی ، بوی زلفت و چند دقیقه بعد از مدتی صدای را زیر پا می‌گشت بشکم و سپس به او گفت برو با لایرو و رفت بعد از یک دقیقه ناگهان صدای را بدون آنکه به او بگوید (چون او در حال کمیستی است راحت بود) با لگدمان از زیر پا ش پرت کرد و او آویزان شد و جلاد شروع به شلاق زدن کرد ، سپس به سراغ آن دیگری رفت و شروع به شلاق زدن به او کرد در حالی که او شلاق میزد ، جلادان دیگری بی خیالی تمام ما را خوشحالی شروع به خواندن خدا یا خدا یا ، تا انقلاب مهدی را کردند و بعد هم آمدند و ما را برانند و دوباره توی اطاقی باز - جوئی دوباره ورقه دادند

مرا به سالن آوردند حدود ساعت ۹/۵ شب بودن خیلی گرسنه ام بود و گفتم من گرسنه هستم ، نه را رنخورده ام ، سردم است و خسته هستم می‌توانم استراحت کنم . گفتند تو دریا آوردند غذا نیست و ما هم خسته هستیم تا حالا دیده‌ها خارش را بکار ما . ما و منافقین کار میکنیم ، با لایرو اجازه دادند مشروزی صدای را بشنیم که چند دقیقه بعد یک جلاد دیگر آمد و گفت اینها چرا خوابیده‌اند ، با لایرو شویدی در سوخته - ها

دوباره مرا و چند نفر دیگر را به اطاق با زجر می‌بردند من گفتند دستها بالا و پاها را بهم خم شود آنها را بردند من از زیر چشم بندنگی هی به اتاق دیگری رفت آن به اتاق ما باز می‌شد که من یک تخت چوبی را دیدم ، روی میز دو چراغ قطرات خون بود و گفتم ها می‌بود که صدای شلاق زدن با ورم می‌کرد و غیر قابل استعاده میشد و برای آن کفش دیگری می‌آوردند و مقداری هم ته‌سیگار که روی زمین افتاده بود بسا مقداری کابل برق سیاه رنگ ، دو نفر که پیش بود در روبرو دیوار ایستاده بودند و آه - آه می‌گرفتند ، در اتاقی که من بودم - سر آویزان بود و یک نفر روی زمین افتاده بود که تمام لباسش خونی نبود و یک نفر در طرف دیگری اتاق که به پیشش

بود که بعد یک جلاد دیگری گفت : از شدت درد شما و امیول بیوشی زدیما و هر چند وقت یکبار می‌آمدند و به او می‌گفتند بیدار شوی یا نیست چیست و چون جوابی نمی‌دیدند او را به حال خود گذاشته ، بی‌رفتند ، در اطاقی دیگر هم یک نفر دختر را به خواب آورده و دستها را به پشت بسته بودند و او را آویزان کرده بودند در کف اطاقی و دستها را یک نفر دیگر بود که بعد از یک جلاد آمد و گفت حالا قفس را می‌کشی ، سر تا خودت را با یک دست و چون جواب میداد داکت می‌خاوهی دوباره به تخت بستند و بعد از اطاقی آنها را صدا زد و گفت در ظرفها یک شاقص هست ولی مرا با یک نفر دیگر به طبقه دوم برده به یک اسلحه گفت که جانی برای خوابیدن به این نیست و نفری به من از زیر چشم بستند نگاه کردم دیدم حدود ده زجر به من فریاد می‌زدند و بعد از آن فریاد می‌زدند ، تعدادی هم دختر و پسر داشتند اسلحه‌ها را بردند تا نوبت باز - جوئی آنها برسد ، صدای چندتا اسلحه به گوش می‌رسید که وقتی آنها به یک انقلابی برخورد می‌کردند و خرقه‌های ریک و لمبونی به او می‌زدند او و هم مقامت میکرد ، بعد او را به اتاق شکنجه برده و حدود ۱۰ شلاق به او زدند و البته صدای آه و ناله ، من از آن دیگر هم می‌آید پس از مدتی که با اسلحه جلاد مدوبه یکی از اسلحه‌ها را گرفت تا زدن آنی دارد - حالش بهم می‌خورد و او را بر دستش می‌نویسید و بعد هم یک دکتر با زدن شلاق آوردند تا چند نفر از ما را زنی را که زیر شکنجه حالشان خیلی خراب شده بود صدا و اکند تا ساعت حدود ۲/۵ نیمه شب هنوز شکنجه و فریادها و زجر می‌آوردند و بعد از آن سکوت مگر یک نفر با صدای حکم فرما شد ، ساعت ۵/۵ صبح برای نماز ما را بیدار کردند و بعد از آن نیز اجازه خوابیدن ندادند و برای صبحانه نیسیز مقداری نان و پنیر آوردند که به علت مریضی با نا راحتی روحی کسی تمایل به خوردن نداشت ، جای نیز آوردند که به بعضی رسید و بعضی نرسید .

ساعت ۹/۵ صبح ما را به طبقه با شین بردند و در یک اتاق نگاه داشتند و ۶ نفر صدای کردند ، در این موقع دو نفر از دختران ما زجر آوردند که شکنجه شده بودند یکی از آنها روی پاهاش آنقدر شلاق زده بود که پاهاش با یک کتفه بود - جای طبقه‌ها روی دستهاش که زیر پوشش خون مرده بود وجود داشت و دیگری روی تمام بدن و صورتش و پاهاش شلاق زده بودند تا شلاق در همه جای صورتش ، دستها و پاهاش با یک کتفه دیده میشد ، یکی از این دختران را سه روز متوالی شکنجه کرده بودند و با زجر او را صدا زده و بعد از یک ساعت او را آورده که تمام پاهاش خونین شده بود و دستهاش دستبند شده بودند

اینک جلادان خمیختی روی جلادان - ساواک شاه را سفید کرده اند و تنها این - جنایات با جنایات هیتلر و صهیونیستها قابل مقایسه است ، فرزندان انقلابی خلق هر روز دسته دست در شکنجه‌ها همسایه اوین و بیرون آنها شهید میشوند ، و بسا زیر شکنجه تا آستانه مرگ می‌روند و سپس به جوخه‌ها عدا می‌پسند می‌شوند با شکه خلعت قهرمان ایران اشتقاق فرزندان انقلابی را از این جلادان بگیرد ، "درد و افتخار بریزند تا نیا سیاسی این فرزندان راستین خلق"

تهران - دبیرستان حکمت ۹/۱۷:
به دنبال اخراج یکی از دانش آموزان در این روز قبل از زنگ یکی از دانش آموزان را به شدت میگرداند، تا جائی که روپوش و کفش و جوراب او را در میآورد و تمام کتابها و دفتر او را به زمین ریخته و ورق به ورق دفتر او را میخواند. این مسئله باعث خشم دانش آموزان میگردد و ساعتی بعد تمام دبیران را دستنوازی - مدرسه زشعارهای انقلابی برمیخواند. این حرکت باعث وحشت و اضطراب مزدوران - مدرسه میگرداند زنگ تفریح دوبار صادر میگردد و مسلح دیگری ظاهراً بدون سلاح وارد - مدرسه میشود و پس از صحبت با مدیران - مدرسه خارج میشوند. پس از خروج پاسداران از مدرسه، دانش آموزان نسبت به آمدن نیروی نظامی به مدرسه دست به اعتراض میزنند.

اخبار مدارس

شدیدتر شد طوری که لای موها ولای دفتر و کتاب دانش آموزان را بشدت و بدقت دست تفتیش میگرداند. در همین روز مدیر مکتبی مدرسه در سخنرانی سرگت سعادت فحاشی به نیروهای انقلابی برای جندمین بسیار اعلام کرد، آوردن ماژیک، اعلامیه، عکس و غیره... فقط مختص به انجمن اسلامی بوده و در صورت همراه بودن این وسایل با دانش آموزان دیگر، آنها اخراج خواهند شد. دانش آموزان با خنده و تمسخر واکنش خود را نشان دادند.

از صبح همان روز کنترل بر راهسروها و دستنوازی ها نیز شدیدتر شده بود. طوریکه در ساعت درس در صورت خروج دانش آموزان از کلاس فوراً یک انجمنی نیز بدنبالشان از کلاس بیرون میرفت با اسلحه و خود - شعار نویسی با رهم انجام میگرد و این در حالی است که جاسوسان انجمن از پاک کردن شعارها به تنگ آمده اند و هنوز موفق به دستگیری شعار نویسی ها نشده اند.

تهران - دبیرستان بهشتی
دبیران این دبیرستان به حق سرویس که ما هیانه هه اریال است اعتراض - نمودار می کنند. هم چنین بخش نامه ای - دبیرستان آمده که حق التدریس ۳۶۰ ریال برای لیسانسه ها و ۲۲۰ ریال برای فوق دیپلم ها کاسته خواهند شد.
منطقه ۹ - تا مین ارتش بیست میلیونی با استفاده از "دانش آموزان مدارس - ابتدائی!" رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی اخیراً جهت احیای نیروی تلف شده خویش در سطح از دانش آموزان ابتدائی استفاده می کنند و آنان را برای خدمت در بسیج حافظ - سرما به آموزش نظامی میدهند. اخیراً "در یکی از مدارس ابتدائی منطقه ۹ تعدادی از دانش آموزان کلاس های سوم و چهارم را که از لحاظ جسمی با صلاح رشد کافی داشته اند بدین منظور ثبت نام کرده اند. در این انتخاب حتی از دانش آموزان - عقب مانده ذهنی نیز چشم پوشی شده است.
منطقه ۱۰ - نماز اجباری در مدارس ابتدائی؛ شاخکهای جاسوسی حکومتگران اسلامی برای کتلاندن دانش آموزان به صفوف نمازگزاران در مدارس، از شرکدهای گوناگون و تهدید و ارباب گرفته تا خواستن خلاصه ای از خطابه های نماز جمعه استفا ده کرده اند که به شکست انجامیده است و دانش آموزان نشان دادند که زور و ارعاب نمیتواند آنها را تسلیم سیاستهای ارتجاعی حاکمیت کند. اخیراً در یکی از مدارس ابتدائی منطقه ۱۰ - آموزش و پرورش، مورتریستی خواستار شرکت دانش آموزان کلاس چهارم و پنجم در نماز شده که با عدم استقبال دانش آموزان مواجه شده. مسئول امور تربیتی جهت مجبور نمودن دانش آموزان در نماز حضور و غیاب را به نمازخانه نبرد و او را با دانش آموزان غائب را با دست می کند.
تهران - دبیرستان آذر
حاکمیت که به عیب تعدادی از دبیران قرار داد "حاکمیت حزب الله" در مدارس از

فعالیت انقلابی دانش آموزان جلوگیری کرده و جنبش توسعه دانش آموزی را از حرکت باز دارد. از آغاز سال تحصیلی با اخراج و اعدام دانش آموزان بسیار سایه شوم دبکتا توری خویش را بر تمام مدارس گسترده. با دانش آموزان هرگز لحظه ای از ادامه مبارزه دست برنداشتن در هفته اول آذرماه دانش آموزان بیگام دبیرستان آذر طی یک فرصت دست آمده مقدار زیادی از اعلامیه های سازمان را بین دانش آموزان حنا ط بخش می کنند که مورد استقبال دانش آموزان قرار میگیرد. امور تربیتی نیز از این حرکت انقلابی که در سال "حاکمیت حزب الله" و کنتراول همه جانبه سازمان حزب الهی انجام گرفته بود عصبانی شده و تفتیش دانشی معلمان را نیز برقرار میسازد. این اقدام با اعتراض معلمان لغو می گردد.

دبیرستان سلمان فارسی: اخیراً در این مدرسه بین انجمن اسلامی و حجتیه ها درگیری روی داده که منجر به مقابله و بیابوری آنان شده است. لازم به توضیح است که این مورد در اکثر مدارس به چشم میخورد. این اختلافها عمدتاً بین دانش آموزان و هیات مدیران حزب جمهوری اسلامی و همچنین بین امور تربیتی و مدیران برخی از مدارس شدت گسترش یافته است.

دبیرستان دخترانه ولی الله نصر - ۳۸/آبان - ۲ نفر از دانش آموزان - هوادار محاهدین را از کلاس درس بوسیله افراد کمینته دستگیری میکنند و دیگران آنها خبری نیست. این واقعه در شرایطی اتفاق می افتد که رژیم با بوق و کرنا اعلام میکنند که "حاکمیت قانون" برقرار است و وزارت آموزش و پرورش بخشنا همساز در میکند که از محیط مدرسه کسی حق ندارد - دانش آموزی را دستگیر نماید چون تا شیر منفی روی ما سار دانش آموزان مسکند. **دبیرستان خوارزمی** ارتداد نبیه - دوم آذرماه - جندی قبل شعارهای انقلابی بر روی تخته کلاس و دیوارها نوشته می شد. سعادت ز تعقیب و مراقبت انجمن اسلامی در تبعیه - دوم آذرماه، پاسداران سرما به مدرسه مذکور حمله کرده و یکی از دانش آموزان کلاس سوم نظری را دستگیری میکنند. دانش آموز مذکور مقابله و دستگیر می شود. اقدام به شعار دادن می کند و شعار میدهد "مرگ بر خمینی" پاسداران او را کشتن کشتن با خود می برند. دانش آموزان - تنفر تمام شده این عمل جنایتکارانه پاسداران بودند و دانش آموزان را تا دم در مدرسه بدرقه کردند درحالی که انزجار و شفر خود را از این اعمال وحشیانه اظهار می نمودند.

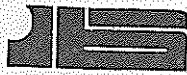
دبیرستان هدف - ۶۰/۹/۸: بعد از بازپس گرفتن بستان، از بلندگوی دبیرستان دانش آموزان را دعوت کردند که پس از تمام ساعات درس از مدرسه خارج نشوند که خبر از بلندگوی مدرسه گوش کرده و شعار میدهند. ولی همسایه دانش آموزان بجای ۴۰ نفر حزب اللهی به خانه هایشان رفتند.
مدرسه نوبهاران - ناحیه ۱۳ سابق - مورتریستی این مدرسه به حرم فعالیت در انجمن حجتیه اخراج شده است.
بقیه در صفحه ۱۰

۶۰/۹/۱۳
با وجود تفتیش بدنی شدید و مراقبت جاسوسان با باز هم فعالیت سیاسی، شعار نویسی، پخش اعلامیه، در مدرسه ادامه دارد. در این روز عوامل رژیم تصمیم میگیرند آنها را که کارت تحصیلی شان قلمزاست (بلا تکلیف میباشند) را شدیدتر گشته تا با صلاح ضد انقلابیون را بشناسند در نتیجه این امر دانش آموزان محیسور میگردند کفش و جوراب خود را در آورند و لباس مدرسه را از تن آنها در آورند و شلوار آنها را تا زانو با لاینزدولی عازانه موفق به پیدا کردن چیزی نشدند. مسئولین مدرسه آوردن غذا و نان و پنیر و... را نیز ممنوع کرده اند زیرا که تصور می کنند دانش آموزان در داخل غذا و نان و پنیر - اعلامیه مخفی می کنند.

۶۰/۹/۱۴: در این روز طبق معمول انجمن اسلامیها برینا مه صبحگاه های خویش را اجرا می کنند. در آخر برینا مه یکی از جاسوسها شعار میدهد: "تا خون در رگ - ما ست، هدیه به رهبر ما ست" و از دانش آموزان می خواهد که شعارها را تکرار کنند اما کسی شعار نمی دهد به غیر از ۵ - ۶ نفر، میگوید خواهش شما را بدهید. با زکسی شعار تصدیقه غیر از همان ۵ - ۶ نفر، ناظم با عصیانیت بلندگورا میگرد و میگوید خواهشها هر چه گویند تر شعار بدهید. باز کسی شعار نمی دهد تا ظم حزبی، شعار را عوض می کند، اما با زکسی شعار نمی دهد، ناظم با عصیانیت فریاد میزند چرا از ۶۰ نفر فقط ۶ نفر شعار می دهند. و با این جمله - خودش را رسوا می کند. و با لایحه ناظم مسئولین از دانش آموزان می خواهند سر کلاس بروند.

دبیرستان دبیرستان نیزمانند سایر دبیرستانهای ایران جاسوسی و تفتیش بدنی به حد زیادی اجرا میشود. در روز ۶۰/۸/۱۰، توسط هواداران سازمانهای انقلابی از جمله هواداران سازمانهای فراهی و فراوانی در رابطه با افشای انجمن اسلامی و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بر در دیوار مدرسه نوشته شد و برچسب ها شئی نیز در این رابطه چسبانده شد. این کار رتعب دانش آموزان را برانگیخت و مورد استقبال آنها قرار گرفت و ترس جاسوسان رژیم را افزایش داد. صبح روز ۶۰/۸/۱۱ تفتیش بدنی خیلی

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدانیست



اخطار فسنجانی

بقعه از صفحه ۱
عجز رژیم ...

این تذکره را به عنوان آخرین تذکره جدی و نهایی به دولت میدهیم تا هر چه زودتر بر امثال اینگونه مواردی که هست تکلیفی را روشن کرده و به ما بگویند. جنابان بر خوردی از سوی هاشمی رفسنجانی به سمت دولت "مکتبی" و "یکپارچه با محلس" را میتوان از دو جنبه بررسی نمود.

اینکه توهم نموده ها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی در مقابل عینیات سخت، بزا تودر آمده است، توده ها عطا تمام می میدخورا از این رژیم برگرفته اند. و از عمده دلایل این سلب اعتماد میتوان - تا توانی - مجوز بونی رژیم در تاشقی آمدن بر بحران را نام برد. مردم دیگر پیدا کنند که در رژیم جمهوری اسلامی، بیای سیاستهای ضد خلقی حاکم نمی توان نباید امیدها روشن تورم، فاشق آمدن برگرانی و بیگاری، تا مین بهداشت، مسکن و درمان افزایش درآمد و قدرت خرید، بدست آمدن کالاهای مورد نیاز و ضروری، امنیت شغلی، خلاصی از روابط بوروکراسی حاکم - ادارات، تعدیل شکنجه، سرکوب، فقان و اختناق - تا چهره سبیه نابودی آن - و - را داشت. مردم خوبی پیدا کنند - و اینها در تجارب سه سال گذشته خود در یافته اند که رژیم جمهوری اسلامی با شناختن سرمایه دارانه اش و با سیاستهای ضد خلقی اش قادر نیست حتی گامی در جهت توده ها بردارد و از اینروست که چشم امید از "بالا نشینا" برگرفته اند، اما همسوز "بالا نشینا چشم امید خود را از "بالا نشینها" برگرفته اند و هنوز امید به تحمیل توده ها و فریب آنان دارند. و از اینروست که - هاشمی به عینت می گوشت با زدیگر گناه "عدم پیشرفت امور" را بگردن بخشی از "بالا نشینها" بیندازد و از این طریق اینگونه وانمود کند که حداقل بخشی از رژیم هنوز هم! حامی مستضعفین و خواهان پیشرفت امورات، هاشمی ایلپناه میگوید تا بار دیگر توده ها را بفریبید، آب رفته را به جوی بازگرداند تا چند صبا حی دیگر مگر بتوان خلق را به امید "جناح خوب" رژیم زبیه سامان رسانیدن انقلاب باز داشت.

اما توده ها پس از سه سال دیگر در این رابطه نیز تجارب بسیار اندوخته اند. توده ها بیاید در رنده چکونه با زرگسان این لیبرال پیر - با سیاستهای سرمایه دارانه اش، سرکوب، فقر، بدبختی، سرکوب، شکل گیری و رشد ندهای سیاه، خلع سلاح توده ها، جراث از مالکیت و اموال سرمایه داران را به پیش میبرد و همواره "علل نا راستی ها و کمبودها - را نه سیاستهای دولت خود بلکه "تعمدد مراکز قدرت" وانمود میگرد و بدین ترتیب میکوشید کل رژیم را از ضربه مرادار رویا چگونه مدت ها علیرغم اینکه تمام می اهرمهای قدرت در دست حزب جمهوری اسلامی بود، تمام می "کمبودها و نا راستی ها" برگردن بنی صد حواله میدهد تا با زدیگر گناه از رژیم تطهیر شود. اینک نیز دیگر همان شگرد است اما دیگر توده ها دست این شیادان را خوانده اند.

این هر چند وجهی از مساله است اما تمام می آن نیست. این شکل از برخورد توده ها شمی به دولت، اینگونه اخطار به توده اجرا شده هر چند سختگویی دولت بگوید که "جزو حقوق قوه مقننه است" اما تنها به رژیم "مکتبی" و "یکپارچه با محلس" است. همین چند ما به پیش بود که مجلسیون دولت را دولتی مکتبی، یکدل

قطعه نامه پیرامون خط و مشی ..

و کزبان با محلس و در خط محلس - مندند و زهما همگ شدن رژیم دشمن میدادند. اما اینک اینگونه توده ها رسد مسانده هاشمی به اخطاری جدی - میشود بحران تا زرات خود را در نا لاشینا سیزمی باشد.

هر چند اینک جناح وحی نیروی موجود در حاکمیت میکوشد تا با تغییر راه کردن دیگران بندگان در برابر که جناحی مختلف رژیم حیت با سازی سبب بوسده سرما نه داری سببه های گویا کوسی را - ارائه می دهد. و بخصوص در رابطه با گار گیری سرکوب توده ها و رژیم. احداث - دارند اما حقیقت اینست که "عدم سرکوب امور" به کردن جناح خاصی نیست. حقیقت اینست که کل رژیم جمهوری اسلامی این تصمیم را بگردن دارد. حقیقت اینست که رژیم با ساخت کوسی، و بحران موجود و با پایگاه هاشمی که در وجه عمده بورژوازی تجاری متوسط را نمایندگی می کند حسی با شرایط عینا موجود در ما در - حیاتی - و شمی گوشیم با سرکوب نا رنجی سیز در تاشقی است. رژیم جمهوری اسلامی نعدداً در دوران سبسی تا حاحت سرما به انحصاری منافع سرمایه با توده تجاری را حراست کند و از اینروست که رژیم جمهوری اسلامی خود بحران را نش و هر که - تا در نسبت با حفظ صاحب و با نگاه هاشمی بر بحران فاشق آید.

این مساله را بر روش صنوان در شرایط موجود دید. جناحی محلیت رژیم هر چند در کوشه ها مختلف اما در اصل با سازی و بر امانداری سیستم به داری تا بگذرد منتفی القولند. لویا حی سر که از محلس می گذرد توسط شورای نگهبان نیز نتوانست میگرد ممکن است در رابطه با سبب اجرا و با میزان پیدا دین توده ها در حدت جناحی مختلف باشد اما در کلیت آن مورد توافق است زیرا بر رویا سازی هر که - سر بر تری سیستم سرما به داری و استوار سرکوب مبارزات توده ها را در نظر دارد. اسکند این قوانین مصوبه به اجرا در نمی آید زیرا عدم توانایی دولت و با غیرت رژیم رژیم در اجرای آنهاست در این رابطه عوامل متعددی تا شیری می بیند. عدم اطمینان سیاسی شرایط انقلابی موجود. عدم وجود کارهای لازم و متخصص جهت اجرای آنها. ورکستی اقتصادی و ... همه و همه عواملی که عملاً اجازه نمدهند راه لویا رژیم را به هر چند بعضاً "رئیس می، رژیم در دوران انقلابی کنونی جامعه عمل بپوشد و از روی کاغذ خارج شود.

بهر صورت بشکل خلاصه میتوان گفت هر چند اخطار اخیر رفسنجانی به دولت سرمایه ای از فریب برخوردار ما به بر رویر زمینه ای از تاضا دهای رشد یافته درون حاکمیت شکل گرفته است. تاضا دهای که خود را تا ببحران حاکم بر تمام می شتون اجتماع - اقتصادی است. در حقیقت میتوان گفت اخطار هاشمی آنجا که بر عدم اجرای قوانین مصوبه تا کیددا در وجه دولت لزوم اجرای هر چه سر بر ترا نه را گوشزد می کند اخطار است به بحران حاکم بر رژیم هاشمی و دیگر سر رهبران جمهوری اسلامی درک نمی کنند. (این عدم درک نه فقط به علت کم تخصصی بلکه ریشه در پایگاه طبقاتی آنان دارد) که همانگونه که ورکستی دولت سوسیالیستی خمینی بر طرف نمی شود، همانگونه که تاضع - های "خمینی" و سایرین نمی توان وضع فلاکت را بر پا نگه داشت و تا از این پس بخشد و خواهش ها و اطمینان دادن هاشمی رفسنجانی، جرح صنعت را بگردن نمی آورد. به هاشمی نگونه نیز بحران که در تاشقی "جزء سیستم ریشه دوانده است با اخطار تبدیل نمی باشد.

www.iranica.com

کمکهای مالی دریافت شده

ب	۲۶۱۹	س	۵۱۵۰	ع	۵۵۰
۲۱۱۱	۲۲۲۲	۵۱۵۰	۵۱۰۰	۱۵۰۱۲۱	
۱۸۱۱					
ج	۱۲۳۲				

کمک های مالی رفقای هواداران زمان در آمریکا	۲۰	۷۷ - م	۲۰۰۲
ها رفقورد	۲۸	وا شنگتن	۱۰۰
مورگان تاون	۷۰	قاسم	۲۴۸/۷۵
با فالو	۶۰/۲۵	ب	۵۰۰
و - ۶	۱۰۰	ص	۱۵۰۰
و - ۸	۱۰۰	ک	۸۵
آتر	۱۸۵	ه	۲۰۰
بلو میگنتون	۲۸۴	م	۲۱۸
رفیق اسکندر	۴۱۶	ت	۱۰۰
سمینار - ابدیان	۲۵۸	ب	۸۵
رفیق اسکندر	۲۲۱	لس آنجلس	۵۹۴
یوتا	۴۰۰	لس آنجلس	۷۶
ک	۲۱	ت	۱۰۰
ک	۶۰	لارنس	۲۳۰
ک	۳۰	شیکاگو	۵۴۰
بوستون	۲۴۵	پ	۱۳۰
سن لوئیس	۲۱۰	پیتسبورگ	۲۰
ز	۱۴۰	پ - ز	۱۴۴
ل	۲۰۰	ح	۱۴۳
ف	۱۵۰	ح	۲۰
تیمی	۱۵۰	ل	۲۰۰۰
دلان	۱۷۵	م	۱۱۸
فلک استب	۲۵	نیویورک	۳۰۱
ج	۱۴۵	رالا	۵۰
گنتاها یو	۳۰	م	۲۰۰
ن ف	۵۰	ل	۲۴
پلن	۹۸۰	ل	۵۵۵
وا یومتیک ل	۸۰	بوستون	۱۱۰
شرق	۳۲۹/۲۵	تری هوت	۱۲۰
اسکندر ل	۱۵۰	سیا مک ۱۱۱	۱۰۰
نیویورک	۱۸۵	بتلهم	۸۴
سورگن تاون	۱۵	ن	۲۰۰
د - م	۲۱۳	س - غ - آ	۳۰۰
اوهایو	۳۱۰	برکلی	۲۰۰
لوتیزیا تا	۱۳۱/۵	لس آنجلس	۲۳۰
النی	۱۲	لس آنجلس	۵۴/۷۰
م	۸۰	ل - و	۱۰
دالاس	۲۵۰	لارامی	۵۰
ی	۹۴۵	ریورتون	۱۵
یلمن	۷۰۰	ک	۱۸۹
کاتزاس	۲۷۵	کنگره	۱۶۵۲/۲۶
س - ۱۰۰۰	۵۰	ت	۶۳۴
لوتیزیا تا	۱۳۰	ت - ا	۴۹۵
ن - ف	۴۰	پ	۲۵۱۷
		ح	۵۱۵۴/۸۷
		ج	۲۰
		آ	۲۰۰

مردم چه میگویند؟

مردم چه میخواهند؟

در ساعت ۵ بعد از ظهر در خیابان خیام منتظرا توبوس هستم، ناگهان فریاد زنی که حدود ۴۰ ساله میبینم دیدم، نظرمه را جلب میکند "همه را کشتند، همه جوانهای ما را کشتند، مردم چه مرگشان شده، چرا بلانند نمی شوند؟" کمی جلو میروم و به آرا می میپرسم "چی شده" "با گوشه" جا در رنگ و حالش که در دروغم از آن میبارد میگوید "چی میخوای بشود، بچه ام، جگر گوشه ام را از هم گرفتند، چرا نشسته ای؟ چرا خفه خون گرفته ای؟" "کارگر جوانی که با زن و بچه اش منتظرا توبوس بود گفت "میردا شته باش ما در، صردا شته باش با لخره بلند - میشوند" زن آهی کشید و گفت "کی؟ دیگسه اینها همه را کشتند" چهره اش فوق العاده زرد است، منظر میبرد مدت ها ست چیزی نخورده در همین حین میبوی بوسی رسیده که تنها سه یا چهار مسافر داشت، همه سوار شدیم، به محض نشستن صدای غم گرفته زن در میبوی بوس پیچید "جوانها را می کشند، یک مشت پیروپا تا ل زندگی کنند، آخه پیر میتواند ملکیت داری کند، چرا جوانهای مردم را می کشید، ببینید اینها در دنون جیه، همینها بودند که انقلاب کردند، تو را نیا وردند که بلای جانشان بشوی، دو - دستی به سینهاش گوید و گفت "ای خدا تو بیا بیا، انتقام جوانهای ما را از اینها بگیر، یکی از زنان چادری ته میبوی - بوس نشسته بود با خشم صورتی که همه خطایش به خمینی است میگوید "پیرها ف - ها فو" در چشمهای مسافرین نگاه میکنند نفرت و خشم موج میزند، با نا نا احتیجی سرشان را تکان میدهند یکی از زنان کنار ما دردا عذیده می نشیند و دلدا ریش میدهد و میگوید "ما در یوا شتر حرف بزن، اعتقادی نیست تورا هم میگیرند" زن فریاد میزند "بگذا ریگیرند، اعدا نم کنند، من در مقابل جوانها چه اهمیتی دارم، با دمیزنم تا بگیرم و اعدا نم کنند زنی که به خمینی فحش داده بود و از زبیه من تری بود گفت "راست میگه آخه تا کی حرف بزیم، دست روی دست گذاشته ایم جوانها بمان اعدا میشوند، هر روز ۱۰۰ تا ۱۰۰ تا اعدا میکنند، کجای دنیا بچه ۱۲ ساله اعدا میشود، اینها میخوای هتندسل جوانان فهمیده از بین ببرودیک مشت پیروپا سواد باقی بمانند" او هم اشک میریزد و دادا میدهد "من ما درم، نمیتوانم ساکت بمانم"

هر کجا میروم حرف میزنم، من میدونم - ما دران میبوی چقدر زحمت فرزندندان خود را میکنند، بخدا قسم وقتی اسم بچه - های اعدا شده را می شنوم، تنم می لرزد، حال تقریباً همه صحبت میکنند، همسه با رژیم مخالفند و اکثر "بدون کنترل فحش میدهند، را ننده میگویند" عمرا اینها مثل عمر شب پره میمانند، زیا د دوام نمی آورند، ما دردا اعدا دستهایش را بلند میکنند و میگویند "ای کاش خمینی سخته کند تا همه از شرش راحت شویم" یک لحظه سکوتی سنگین ما شین را فرامیگردد، لبخند را ننده از داخل آینه معلوم است، اما فوراً "زنی که تا بحال ساکت بود میگوید "وای نه! چرا ساکت کند و راحت نمیرد، با بیدا و با بدست مردم بدهند تا ما کماش کنند، با بید بسرو نوه ها بشو، را یکی یکی جلوی چشمش اعدا میکنند تا بدانند که به چه بدبختی و مشقتی بچه ها را بزرگ می کنیم و آنوقت اینها بد این را حتی ایسین گلپه را نورسیده را بر پیر می کنند، آره باید بدست مردم بیفتند و ما کماش شود، "کارگری که با زن و بچه اش بود مشت کرده اش را به پشت صدلی جلو میگوید و با صدای کداز ختم میبوی "راست میگویند خدا نکند بمیرد، او با دیدن زنده بماند تا روزیکه مردم در خیابانها بگویند "مرگ بر خمینی" تا مثل شاه از غم و ترس در بندر شود و بعد بمیرد" ما دردا اعدا میگوید "آخه کی؟" میگویم "کم کم ما در، زمان شاه هم همینطوری بود، الان لرستان سه هزار نفر را هیما شتی کردند و مرگ بر خمینی گفتند، شما هم همینطور، پواش، یواش سر تا سری میشه، زن که به مقدر رسیده بود بیا ده میشود، منم همراهش بیا ده میشوم، کارگر جوان سرش را از پنجره بیرون میاورد و با او میگوید "ما در غم نخور، ایندفعه وقتی او بین را گرفتیم چنان خرابش می کنیم که با خاک یکسان شود"

اینک خمینی، هر چند آخربین حلقه است اما ل ذهنیت توده ها به رژیم، اما آن محوری است که کینه و خشم خلق نسبت به حاکمیت برویش متمرکز گشته و بیش پیش نیز جبین میگردد، هر چند هنوز در مجمع عمومی مخالفت های علنی با خمینی کمتر به چشم میخورد، اما تمامی شواهد، تمامی صحبتها، کنایات، اشارات، سخنان مجمع خا نوادگی و بیان نگرانت که در چشم انداز آتی شعار "مرگ بر خمینی" آن شعاری است که قاراست میلیونها نفر را برانگیزد، و به خروش وادارند، این نه طنز تاریخ بلکه دیا لکتیک تکامل انقلاب است که در چنین مدت کوتاهی قادر است "درویدر خمینی" را که میلیونها نفر با می وجود با تمامی سر مستی خرده بورژوا شتی فریاد میکردند به "مرگ بر خمینی" بدل سازد.

شاید سعید لویی	۵۰۰	ش - ط	۱۵۰۰	س	۲۰۰	کا رگران هوادار در	مظفر	۲۳۳۳۳	رفقای کانسادا
۲۵۰۰۰						چراغ برق	ز - ج	۱۰۰۰۰	۱۷ شهریور
رفقای تلوزیون	۱۰۷۷۷					سرازان فدائی	ن - ج	۱۰۰۰	موترا ل
۵۸۸۸						م			زلزل زدگان
۲۹۹۹						ف			ل م ۱۳۳۹
۲۱۱۱						ع			رفقای سوت
بزرگ جوان بده ۳۰۰۰						فومن			ش ۲۲۲ -
						ک			رفیق محمود بابائی
						ر			ستاره - رخ
									۲۰۰۰

استقلال - کار - مسکن - آزادی



بحران فرمیسم

بقیه از صفحه ۲

چی های اکثریت در این بخش از نوشته خود بکا بریده اند تا شاید بتوانند، خست و مرزی مصنوعی میان خود و جناح دیگر اکثریت مطرح کنند که ملا تا موفق بوده - است آنها بیشتر مسائل تشکیلاتی را پیش کشیده اند تا اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی را. اما از اینکه در سرا برسیا نیسه بجز یک مشت آه و ناله و شکوه چیزی دیده نمی شود و اختلاف آنها اختلاف درونی - فرمیسم است، نباید سرسری گذشت، برای یک ما رکیست مهم این مسئله است که این مسئله را درک کنند چرا در صفوف فرمیست ها اختلاف افتاده است و این مسئله از کجا ناشی میگردد.

واقعیت این است که نشأ در صفوف فرمیستها بیجا نگرینجرا نیست کسه فرمیسم در شرایط کنونی جنبش با آن - روبروست. علیرغم تمام تلاشها و کوششهای فرمیسم در جهت با نحراف کشتا بدن جنبش توده ای، این تلاشها با شکست روبرو شده است. حزب توده و اکثریت مدتتها تلاش - نمودند تا با معرفی رژیم ارتجاعی حاکمست بعنوان یک حکومت ضد میریالیست و - انقلابی جنبش انقلابی خلقهای ایران را با نحراف بکشانند، اما اکنون جنبش به مرحله ای از تکامل خود رسیده است که نتنها اکثریت عظیم توده های مردم از رژیم ارتجاعی حاکم بریده اند، بلکه مردم سقوط این رژیم نزدیکتر میشود. در چنین شرایطی تلاطم جنبش انقلابی نمیتواند تا شیر خود را در صفوف فرمیستها بر جای نگذارد و در صورت شکستهای آنها نمیتوانست منجر به یک انشعاب نگردد. رسالت این انشعاب در این است که جای پایش در جنبش انقلابی بای بنده توده ها پیدا کند، از این رو کنگره چی های اکثریت خود را برای انجام این رسالت آماده میسازند. آنها گرجا، ملوژن و با تمام قوا از رژیم جمهوری اسلامی دفاع نمیکنند،

اما در آینده تلاش خواهند کرد تا خود را بعنوان اپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی معرفی کنند و در این پیرویه کما ملا" این اما دگی را کسب نمایند تا در صورت تغییر و تحولات اساسی و ایجاد یک قطب دیگر قدرت خود را در پشت سر آن قرار - دهند. تجربیات دو، سه ساله اخیر درسهایی گرانها نشی به جنبش انقلابی ایران - آموخته است. اکنون همه با بین واقعیت مسلم پی برده اند که اپورتونیسیم فاقد هرگونه پرنسیپ است، بیجا به شرایط مختلف تغییر چهره میدهد، نظرات گوناگون در موضع گیریهای گاه کما ملا" متضاد ارائه میدهد. اپورتونیسیم بهمان نحو که از یک رژیم ضد انقلابی و ارتجاعی، یک رژیم سوسیالیستی آفرید، در شرایط دیگر نیز قادر است، با این رژیم پشت کند و از یک بلوک قدرت دیگر دفاع نماید.

تمام عبارات پرده زینها، خط و مرز - کشیدن را، آه و ناله کنگره چی های اکثریت در برسیا نیسه، نتنها و نتنها یک واقعیت را منعکس میسازد و آن واقعیت بحران کنونی حاکم بر جامعه، چشم انداز اعتلا جنبش توده ای و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، و ورشکستگی کنونی سیاستهای فرمیستی و با نتیجه بی اعتباری

اعدامهای مخفیانه انقلابیون...

بقیه از صفحه ۱

نه فقط بخاطر شرکت در نظرات، نه فقط بدلیل همکاری، هواداری و یا عضویت در سازمانها و گروههای انقلابی و نه حتی بخاطر داشتن افکار و اعتقاداتی مخالف با رژیم، بلکه بخاطر داشتن ۲ ربالی در حبس، بخاطر سرو وضع "مشکوک" بخاطر تیغ موکت بری، تمکدان، فن گویا، بخاطر حضور در محلی نزدیک درگیری، بخاطر بر داشتن روزنامه انقلاب اسلامی و ... جوانان بسیاری "بخاطر هر چیز کوچک و هر چیز ساده بخاک افتادند" خشم گورد رژیم خونریز محو شده ای نشی شناخته جوانان زبیر ۱۸ سال، نه، کودگان ۱۲ ساله، ۱۳ - ساله، دختران نابالغ، زنان آریستن، پیر مرد و پیرزن، همه همرا از دم تیغ میگذاردند. اگر آنکه در تعقیبش هستیم نیست، چه باک، برادرش، خواهرش، نشد پدر یا مادرش را اعدام میکنند، اعدام - های دسته جمعی، ۲۰، ۴۰، پنجاه، پنجاه و عاقبت صد، صد بدون پشتن، در حال - دیدن، حتی در سلول و بشکل دسته جمعی، فجایی که هیچگاه نظیر نداشته است. ننگهای جا و دانه بشریت، آری رژیم بیش از ۵ ماهه سراسر میهنمان را به کشتار بدل ساخت.

موج اعدامهای ددمشا نه رژیم آخرین ذرات توهم خلق را نیز پشت و همرا برد. موج خون، ما له مقدس خمینی را نیز سر فرو انداخت و ما سک فریب و بیرنگ را از چهره اش برکشید. در خیم با شما می وقتا منت در مقابل خلق ایستاد، و در دهن توده ها فرو افتاد.

محور تمامی بحثها در این مدت اعدام جوانان انقلابی بدست جلادان رژیم است. موارد بسیار متعددی در گزارشات دیده میشود که تا آگاه ترین افراد، برادرش اعدامهای بی در پی در پی، بدل از رژیم بریده اند، توهمنان نسبت به خمینی فروریخته چهره، جنایتکار رژیم را شناخته اند و در مقابل آن ایستاده اند. حتی در موارد بسیاری از مخالفت یا سداران و بسیجی ها با رژیم بیعت اعداها، استعفا و یا تمایل به استعفا و یا در چند مورد دیوانه شدن یا سداران - مخصوص در اوین - دیده شده است.

هر اعدام، موجی از مخالفت، موجی از مخالفت را در پی خود آورد. با بخاک - افتادن هر میا رز، نه دست، دست دیگر جهت برگرفتن سلاحش دراز میشد، نه نتنها - گامهای استوار تر در راهش نهادن میشد بلکه افرادی بسیار را شایدمت می آنا که او را می شناختند. در مقابل رژیم صرف می آناستند. اینک بر سر هر کوچ و در هر مرحله حمله ای قرار داد و خانه های عزادار است محله عزادار است و از اینرو شهر، سراسر ایران عزادار است چرا که بیش از هزار - شوقه نور رسیده بدست دیکتا توری حاکم پر پر شده اند. در جهان نیز اعدا میهای رژیم

اسکاس وسیع یافت. جهان بر جمهوری اسلامی توریید. محام سن المللی نیروهای مترقی بر ضد اعدا میهای وحشانه رژیم فریاد برداشتند، سازمانها شی از قبیل عفو سن المللی نیز تحت فشار افکار زعمومی در مقابل حسابات رژیم موضع گرفتند. - راهیما نشی ها، تحصن ها و اعتراضات - بسیاری از سوی دانشجویان رزمنده ایران در خارج از کشور و همچنین سایر نیروهای مترقی انجام گرفت و چنان با ت هولناک رژیم را با زتابی هر چه گسترده تر داد.

بهر رو، اینک در مقابل او جکیوری اعتراضات توده ها و میا رزات روز افزون آنان، و در مقابل سیل اعتراضات جهانی نسبت به اعدا میهای وحشانه انقلابیون رژیم تن به عقب نشینی داده است و از - اینرو تا حد فروکش نسبی اعدا میها هستیم. اما این عقب نشینی بی هیچ روی به معنی - قطع اعدا میها نیست. رژیم حتی در اوج - اعدا میها نیز تمام می کشتار خود را اعلام نمیگردد، بسیاری از اعدا میها و کشتارهای زیر شکنجه اعلام نمیشود و اینک رژیم بیش از پیش به این شیوه روی آورده است. اعدام مخفی انقلابیون.

رژیم اینک بسیاری از جوانان را سبز شکنجه شهید میکند و با بخوچه های مرگ - میسپارد بدون آنکه کوچکترین خبری در این مورد اعلام کند. اینک هزاران - خانواده از سر و دست فرزندان اسیر خود کوچکترین اطلاعی ندارند، اما دسیساری از اعدا میشدگان و کشته شدگان تا نابود میشود، در گوردهای جمعی دفن میگردد و با همگان نشی نظیر آب آنا رسیف در پوشهر با دریاچه، تمک قن - مکانی که شاه اجساد را مینداخت تا تنگ خود را بیوشا ند.

ریخته میشود. اکنون رژیم میزان بسیاری از اعدا میهای خود را از وحشت خشم خلق به پشت پرده برده است و اینگونه می نماید که اعدا میها متوقف و یا بسیار کم شده است. اخبار رکا ملا" موثقی که بدست ما رسیده است از بسیاری اعدا میها و کشتارهای جوانان در زندان، اطلاع میدهد. اینک با بدین شگرد کشف رژیم و این کشتارهای مخفیانه جلادان را در وسیع ترین سطح ممکن اقصاء نمود و در جهان بگوشش شما می مردم و نیروهای ترقیخواه رسانید اینک جان دهها نفر را انقلابی که در دست دژخیمان و در قعر سیاهای شاه ساخته اسیرند در خطر است، و هر لحظه ای که میگذرد به قیمت جان یک یا چند جوان تمام میشود. با بدما زره ای بی اما ن را حول شعاع "آزادی زندانی سیاسی" شکل داد. باید به هر طریق به مقابله با اعدا میها، شکنجه و دستگیری انقلابیون پرداخت. زندانی سیاسی، به همت توده ها، آزاد - باید کرد جمهوری اسلامی، با قهر انقلابی، نابود باید کرد.

سازمانهای فرمیستی حزب توده و اکثریت است و الانه در مواضع ایدئولوژیک - سیاسی میان کنگره چی های اکثریت و دیگر فرمیستها اختلافی وجود دارد، و نه آنگونه که آنها مطرح می کنند اختلاف بی سر و حدت اصولی "یا غیر اصولی" با حزب توده است. سرنوشت سیاسی این گروه نیز از هم اکنون روشن است. چنانچه جنبش انقلابی توده ها از اعتلا تازه ای برخوردار میگردد، آنها

نقش و موقعیت حزب توده را در سطح جنبش با زخوا هندیاقت و دیگر برای همسه - رسالت حزب توده بعنوان یک سازمان فرمیست از میان خواهد رفت. اما چنانچه جنبش دجا رکو دسیسی گردد، سرنوشت این گروه جزا نبودی چیز دیگری نخواهد بود و این همان حزب توده است که نقش خود را بعنوان حزب زوش طبقا تی ایفا خواهد کرد.

مبارزات دانشجویان

بقیه از صفحه ۱۶

عقوبین المللی، صلیب سرخ، و کانسون دمکراتیک نویسندهگان و حقوقدانسان جهت دیدار از زندانهای رژیم جمهوری اسلامی و ارائه گزارش مربوط به آن در سطح افکار عمومی ۲- محکوم نمودن جنایات رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی توسط هیئت یاد شده ۳- آزادی زندانیان سیاسی ۴- موضعگیری و دفاع هرچه وسیعتر علیه سازمانها و شخصیتها و گروههای مترقی و دموکراتیک از جنس خلق و محکوم نمودن جنایات رژیم.

این رفقای از ۹ روز اعتصاب غذا و پس از آنکس آن در مطبوعات آلمان و مجامع مترقی این کشور، در تاریخ ۱۳ خرداد ۱۳۶۰ آبان به اعتصاب غذای خود پایان داده و مبارزات خود را در اشکال دیگر برای خواستهای فوق همچنان ادامه میدهند.

گزارشی از مبارزات دانشجویان انقلابی ایرانی در شهر شیکاگو (دانشگاه ایلی نویز)

رژیم بنا بر ماهیت ارتجاعی خود به و رونه گردن خیار مبارزات خلق میپردازد و خبر مبارزه با شکوه دانشجویان مبارزان دانشگاه ایلی نویز در شهر شیکاگو را به صورت "درگیری طرفداران ولیعهد و ساواکها با طرفداران رژیم جمهوری اسلامی" ذکر نمود.

اما واقعیت چه بود؟

در تاریخ سهشنبه ۱۰ نوامبر (برابر با ۱۹ آبان) ۴ تن از قائلان رژیم در شهر شیکاگو قصد تبلیغ به نفع رژیم فارسیستی جمهوری اسلامی و فروش کتاب و جسیان دادن عکس خمینی جلاد را داشتند که با اعتراض یکپارچه دانشجویان مواجه گردیدند. طولی نکشید که تعداد دانشجویان که عموماً "متشکل از هواداران نیروهای انقلابی بودند" به ۱۲ نفر رسید که در مقابل چهار قائل رژیم و یک توده ای - قرار گرفتند. شعار دادن و نظاهرات حدود

۲ ساعت بطول انجام میدوید و سپس دانشجویان مترقی بساط ارتجاع را درهم کوبیده و در این میان ۵ نفر از دانشجویان توسط پلیس فا شیت دستگیر شدند. همانا پلیس از قائلانها چشمگیر بود و در طول این حرکت برای تمام دانشجویان اثبات گردید. شعار عموماً "عبارت بود از: "مرگ بر رژیم مشفوق خمینی، مرگ بر خمینی، زنده باد انقلاب، خمینی تووارثا هی، مرگ بر جاسوسان کثربیتی و توده ای، زنده و جا وید بادیدار دشتیان خلق، ساواک از دانشگاه بشوید...".

تعداد دانشجویان ایرانی دانشگاه در مقابل مزدوران رژیم جمهوری اسلامی بسیار چشمگیر بود. مساله قابل توجهی رسوائی بیش از حد و عنصر منزوی اکثریتی و توده ای بود که سعی میکردند در بنیاد پلیس فا شیت آمریکا از رژیم جنایتکار خمینی دفاع کنند. این برنامهم علیه مترقی دستگیری چند تن از رفقا توسط پلیس آمریکا که امروزه مدافع خمینی شده اند! با موفقیت کامل پایان یافت.

ترور در سفارت رژیم در فرانسه:

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی تحت عنوان "صدور انقلاب اسلامی" آدم کشی را نیز بخارج صادر کرده است. جواد مصدوی معاون امور فرهنگی و کنسولی وزارت امور خارجه طی یک سخنرانی "خیالی" محرماتنه "به کلیه نمایندگانهای جمهوری اسلامی در خارج بدتاریخ ۶/۵/۶۰ به دستور دادگاه تهران آنها را "اصطلاحاً دانشجویان" (بخوان دانشجویان انقلابی و مترقی) ارا رسال کنند، بلکه از تمهید گذرنا آنها خودداری کنند. این سند که وقت رژیم را به فوج نشان میدهد افشاء و پخش گردید و در پاره ای از مطبوعات جهان نیز همراه ترجمه اش - انکس یافت. ولی رژیم جلاد خمینی به این بسنده نکرده و از ماهها پیش مدتها حزب اللهی و پاسا مزدوران را گذرنا میسای راهی کشورهای خارج کرده است. تا پیام "اما جماعتاران" را اجابت کرده و صدای دانشجویان مبارزان که با مبارزات خود پیگیرانه به افشای ماهیت رژیم و جنایاتش در زندانها و فکار عمومی

جهان برداخته اند، را در گلو خفه کنند - ولی این سیاست نیز با مقاومت دانشجویان مبارز و مترقی با شکست روبرو - گشت. در نتیجه به آخرین حربه متوسل شده و با سوءاستفاده از حق داشتن افراد مسلح در سفارتخانهها، و اینکه هر سفارتخانه جزء خاک همان کشور بحساب میآید، - مبارزات به تیراندازی به دانشجویان تبدیل میگردد که برای امور مربوط به پاسپورت و غیره به سفارتخانه ایران مراجعه میکنند. نمونه این اعمال جنایتکارانه کارانه، روز دوشنبه ۲ آذر (۲۳ نوامبر) در کنسولگری ایران در پاریس اتفاق افتاد. هنگامی که یکی از دانشجویان ایرانی (هوادر سازمان پیکار) برای دریافت گذرناهایش مراجعه کرد (و قبلاً گذرناهایش را برای تمدید اعتبار رسیده کنسولگری داده بود) مزدوران رژیم - متنها از دادن گذرنا مهربوی خودداری میکنند، بلکه شروع به فحاشی نیز می نمایند هنگامیکه با اعتراض و سرخشی این دانشجویان مبارز مواجه میشوند، یکی از پاسداران مستقر در کنسولگری بنام مجتبی نوروزی که از جاسوهای گردیده و قبلاً همراه پاسداران سرما به در کشتار خلصی گرد شرکت داشته، با کلت شروع به تیراندازی به دانشجوی فوق میکند که سه گلوله به پایهای وی اما بت میزند. زمانی که بیدن آغوش بیخون این دانشجوی را از کنسولگری بیرون میاورند، و با مشت های گره کرده شعار مرگ بر خمینی جلاد میداد که سایراریا با رجوع آنها نیز با وی همدا شده بودند. بدنبال این جنایت، حزاب، سندیکاها و کانونهای دموکراتیک و شخصیتها و وکلای مترقی و دموکرات فرانسوی طی بیانیه ای این عمل را محکوم کرده و خواهان رسیدگی بدان گردیدند. دانشجویان انقلابی و مترقی در خارج از کشور طی دهها سال مبارزه نشان داده اند که نه رژیم شاه قدر بدو نه رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی با عملکردهای ناشیانه اش قادر خواهد بود جلوی مبارزات عادلانه و برحق آنان را بگیرد. این اعمال وحشیانه تنها میتوانند باعث گسترش بیش از پیش جنبش دانشجویی در خارج از کشور و رسوائی رژیم گردند.

را مشروط به انجام شدن برنامه مورد نظرش می نماید.

رهنمودی به دانش آموزان:

دانش آموزان هوادار می با بیست علاوه بر تشکیل هسته های سرخ خود به تشکیل کانونهای مخفی دمکراتیک بشل کمیته های مخفی دانش آموزی و یا کمیته های جلوگیری از اخراج و تفتیش بدنی اقدام نموده، با خا نوا ده ها ارتباط برقرار کرده حمایت آنها را جلب نموده با مدارس دیگر کمیته های مشترک مخفی بوجود - بیاورند و بر علیه تفتیش بدنی، اخراج و اختناق مبارزه نمایند.

با ایجاد کمیته های مخفی، بر علیه تفتیش بدنی و اختناق و اخراج در مدارس مبارزه کنیم

تذکره رفقای دانش آموزگزارش دهنده:

رفقا در بسیاری از این اخبار تاریخ خبر و یا نام مدرسه و یا نوع مدرسه، دبیرستان راهنمایی، دخترانه، پسرانه و غیره مشخص نیست و ما مجبور شدیم اخبار را با همیسن اینها مات چاپ نمائیم. برای برطرف شدن این نقص رفقا در تهیه وارسال گزارش خیری، مبیایست دقت بیشترری شما بند.

اخبار روشناس

بقیه از صفحه ۱۰

ساعت استراحت معلمین را که یک ساعت بوده است به ۱۵ دقیقه تقلیل داده است، علت این تقلیل ساعت استراحت، جلوگیری از زیجت معلمین حول مسایل روزمره - مثل گرانی و کمیابی و بیکاری و مسایل سیاسی، و رد و بدل اخبار و افشای جنبش خلق و سایر مشکلات بوده است.

تهران - مدرسه گهر پرور -

بعد از نماز جماعت تعدادی شروع به خواندن دعای عاشورا میکنند. معلمان نسبت به اینکار اعتراض میکنند که وقت کلاس گرفته میشود، مورتربیتی همسای طرفدار گروه حجتیه، موافق خواندن دعای عاشورا بودند ولی مورتربیتی همسای طرفدار رخط امام میخواستند دانش آموزان - کلاس بیرون. در نتیجه مدرسه دو دسته شده و قسمتی به کلاس میروند و بخش دیگری با میخوانند.

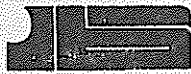
آموزش و پرورش - آموزش و پرورش قصد داشت که مدارس اقلیت های مذهبی را تحت فشار بیشتری قرار دهد که با مقاومت یکپارچه ارا منتهوا شده و عقب نشینی نمود. مبارزه ارا منته بعدت یک هفته در کنسای ارا منته واقع در خیابان میرزا کوچک خان (استالین سابق) وهم چنین در کنسای خیابان ویلا جریان داشت.

ارامنه در این کلیساها مجتم می دهند و اعتراض می نمودند که حتی در چند مسورد با تیراندازی هوایی نیز مواجه شدند.

کسرج - در هفته دانش آموز، در یکی از مجتم های آموزشی کرج یکروز را - اختصاص به نظافت محط مدرسه می دهند.

در حالیکه مدیران برنامها گذاشته بودند و از دانش آموزان برای انجام آن دعوت شد. مسئول امور تربیتی مخالفت می نماید و بدنبال آن طوماری تهیه کرده و در صف میخوادند و از دانش آموزان تا تشید میگردد.

سپس این نامه را به اداره می فرستد. از آنجا شیک رئیس آموزش و پرورش خود از جو ریبیتی های سابق بود، حرکت او را تا تشید می نماید. رئیس مدرسه با مشاهده این وضع استعفا می دهد ولی چون ظاهراً کسی را نداشتند جریان به همان صورت - می ماند. ولی مدیر مدرسه ادامه کار خود



اخبار

۶۰/۹/۷ - بحثنامه‌ای در این تاریخ
ارسوی وزارت بهداشت، مبنی بر جلوگیری
از اشتغال به کار دانشجویان رشته -
پرستاری در بیمارستانها صادر گردید. بر-
اساس چنین بخشنامه‌ای، بسیاری از
دانشجویان پرستاری که با حداقل پایه
حقوقی در بیمارستانها مشغول به کار
بودند از این منبع درآمد محروم شدند.
از طرف دیگر در شرایطی که بیمارستانها
شدیدا "با کمبود پرسنل (پرستار و روبروست
نا دیده گرفتن این نیروی انسانی، بیابگر
ورستگی اقتصادی رژیم است که میگوید
یا اخراج این دانشجویان و کاهش هزینه
آن، گزری از کلاف سردرگم بحران باز -
نماید.

جالب اینجاست که در این بخشنامه
آمده است، بدلیل آنکه دانشجویان میباید
شما می وقت خود را صرف تحصیل علم و دانش
نمایند در سرعت وقت به کار آنان در -
بیمارستانها تا تمهیدات صورت پذیرد در شرایطی
است که دانشگاههای کشور که مهمل و -
دانش هستند، هنوز که هنوز است تعطیل -
میشود.

یکی از کارگران شرکت نفت که فرزندش
مصابه سرطان است جهت اخذ اجازه خروج
از کشور برای معالجه فرزندش به وزارت -
بهداری مراجعه کرده است، این کارگر
زحمتکش تمامی زندگیش را فروخته است
بنوا ندهز سفره سفره فرزندش را فرا هم کند
اما وزارت بهداشت بوی اجازه خروج
از کشور نداد است. با توجه به اینکه
پرستاران شرکت نفت رفتن وی را به خارج
جهت معالجه لازم و ضروری میدانند اما -
وزارت بهداشت همچنان بر تصمیم خویش
پافشاری میکند تا اینکه سرانجام این
جوان بیمار به همراه مادرش به منافی
وزیربهداری مراجعه میکنند اما این
جیره خوار رژیم به آنها میگوید: "این همه
چون توی جنگ کشته میشی، خوب توهم
اگر بگیری طوری نمی شود!! بیچاره
میگوید خوب آنها برای منافع شما دارند
کشته میشی که منافی میگوید: "من به هیچ
وجه به توجاه خروج نمی دهم، هنگام خروج
از اطاق منافی، این جوان بیمار میگوید
"چطوریکه بشه رفت توی چشم مرعشی، فوری
با هوا پیما ی خصوصی فرستادش اسپانیا"
با سدا رسماً به محافظان آقای وزیر
که جلوی درکشیک میداد گفت: "ایشان
برای مملکت فریب میدی هستند اما توجی؟"
و اینست شیوه برخورد حاکمیت ضد خلقی
بازحمتکشرترین اقلات خلق.

در تاسی که نما بیندگان سندیکاهیا
وزارت کار گرفته اند، مسئولین وزارت
کار گفتند ما در آینده در طی اعلامیه ای
بطور رسمی سندیکاهیا و خصوصاً "سندیکای
چاپ را غیر قانونی اعدا خواهیم کرد،
شکوهی یکی از نمایندگان طرفدار
حزب که حق عضویت کارگران در سندیکای
را دریافت نمیشود، مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال
را که از بابت حق عضویت کارگران از
قبل در دستش بوده مسئولین جدید
سندیکای تحویل ندادند است. و علت آنرا
گفته که من از قبل میدانستم سندیکای
غیر قانونی خواهد شد و به من گفته بودند
که پول سندیکای را تحویل ندهم.

خبری دربارها سازی یا لایشگاه
۱- از مهندسان نفت با کستان برای
بازسازی یا لایشگاه به ایران دعوت
شده و بسیاری از آنها به ایران آمده
منتظر خاتمه جنگ هستند.

ارتش ضد خلقی پاکستان، میهمان رژیم
فدا مبریا لیست! ایران!

تعدادی از پرسنل ارتش ضد خلقی
پاکستان که به مکه اعزام شده بودند در
تاریخ ۶۰/۸/۱۴ (سه روز تعطیل تا سوعا
وعاشورا) میهمان رژیم ضد خلقی جمهوری
اسلامی بودند. این میهمانان ضد
امبریا لیست! در راه بازگشت به پاکستان
سری هم به دوستان ارتشی خود در ایران
زدند (دعوت رژیم ضد امبریا لیست ایران)
ارتش پاکستان هر ساله تعدادی از
مزدوران خود را (از مقامات بلند پایه
ارتش تا تعدادی از افسران درجه داران
جز) که در جاکویش نسبت به رژیم ضد
خلق پاکستان تردیدی نیست به مکه
اعزام میکند، امسال این حاج ضد
امبریا لیست! میهمان رژیم جمهوری -
اسلامی بودند. برای اینان در یادگان
۱۰ که در گردانی راه منظور پذیرا نشی
آماده کرده بودند. این مزدوران ۲ روز -
در یادگان ۱۰ که در سر بردند و به تعریف
از خصایص فدا مبریا لیستی رژیم جمهوری
اسلامی پرداختند. بعد از آن، این حاج
فدا مبریا لیست! در سر راه خود به یادگان
۱۰ به بیرجند نرسیدند. در آنجا رئیس
دایره "سیاسی - ایدئولوژیک" ضمن
خواستار مدگونی از آنها تا خواست تا صدای
حق طلبانه ارتش! راه ارتش ضد
امبریا لیست! پاکستان را به ارتش ضد
بدست هم داده و دست امیر کار از آنجا -
همانند ایران! کوتاه کنند، زهی -
بیشتری و وقاحت، سرپرست هیئت پاکستانی
که یک ژنرال سر سپرده ارتش ضد خلقی
پاکستان بود نیز در ضمن سخنرانی خود
پس از تمجید از اعمال فدا مبریا لیستی!
رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی قول داد
که صدای او را به ارتش پاکستان برسانند!
این هیئت پس از یک روز اقامت در
یادگان ۱۰ به پاکستان عزیمت کرد.

شرکت آدمیران - شیراز
رژیم جمهوری اسلامی از آغاز حکومتش به
انواع تیرتیکها از ایجا دشواریهای فرمایشی
گرفته تا اخراج و اعدا کارگران مبارز
انقلابی متوسل شد تا مبارزان کارگری
را سد نماید. اما کارگران این یگانگی
طبقه پیگیر که رسالت تاریخی نجات -
جامعه را به عهده دارند علیرغم جو رعاب
و وحشت به مبارزات خویش بر علیه سیاست
- های ارتجاعی حاکمیت ادامه میدهند.
شرکت آدمیران شیراز که وابسته به
"بنیاد مستضعفان" است حدود ۲ ماه است
که جهت افاضه دستمزد، دست به اعتصاب
زده اند اما دولت ضد کارگری جمهوری -
اسلامی نه تنها تاکنون پاسخی به
خواستهای آنان نداد است، بلکه
زمانیکه نمایندگان کارگران با
سرپرست بنیاد در تهران تماس گرفتند
تهدید به اخراج و دستگیری شدند. اما این
تهدیدات هیچگونه اثری بر ارا ده -
بولادین کارگران نداشته و مصما نه به
مبارزه خویش ادامه داده و هنوز در حال
اعتصابند. آری کارگران میدانند که با
مبارزه، خویش تنها چیزی را که از دست
خواهند داد در تحریکهاشان است. (متاسفانه
تا ریخ خیر بدست آمده، احتمالاً مریض
به او خرابان است)

کلیا یکسان - در جریان اختلافات
جستجو و طرفداران ولایت فقیه، اما جمعه
شهر در مخالفت با جناح ولایت فقیه در نماز
جمعه صحبت میکند. با سدا ران طرفدار
ولایت فقیه با طرفداران اما جمعه درگیر
می شوند (در محل نماز جمعه) بدینا ل این
درگیری شهر به حالت نیمه تعطیل در می آید
منازه ها بسته شده و مدرسه ها نیز تعطیل
میگردد. فقط تعدادی از مدارس باز بوده
است. اما جمعه گلپایگان منتخب -
آیت الله گلپایگانی است که ظاهراً
طرفدار رجعتیه میباشد.
سندسندج - هفته اول آبان
در سینما شهر فرنگ سندسندج قبل از نشان
دادن فیلم، وقایع انقلاب را نشان
میدادند. مردم با دیدن خمینی به عنوان
اعتراض شروع به مسخره کردن و هجو کردن
نمودند. از آن روز سینما را به مدت ۱۵ روز
تعطیل کرده، پشت در سینما نوشتند:
به خاطر اراحت به مقام رهبری سینما به
مدت ۱۵ روز تعطیل است.

اصفهان - در اصفهان شایع شده
که دو روز جا مله را اعدا کرده اند. سردم
بشدت از این حرکت رژیم برای از سر جاسر
می نمودند بطوریکه مظاہری، حاکم شهر
اصفهان مجبور شد در برابر تلویزیونی
شرکت کرده و این خبر را تکذیب کند. او -
میگوید: ما دو اعدای داشتیم یکی ۱۵ ساله
و دیگری ۱۷ ساله که به راهی داشتند و چون
ضمن ارتکاب جرم دستگیرشان کرده بودیم
اعدا شدند. در موقع دفن دو جسد نوزاد از
شرکت قانونی آورده بودند که اشیاها
پهلوی جسد آنها دفن کردیم. یک جسد را
از پزشکی قانونی آورده بودند که زن -
دوقلوها مله بود است. پس از شنیدن
سخنان حاکم شرع، جو شهرنا آرام تر شد.
حزب الهی ها برای برگرداندن آذهان
توده ها به یک راهیما نشی علیه بی حجابی
دست زدند (خبر مربوط به آبان ماه میشود)
شیراز - طرح زنانسه -
بردا نکردن اتوبوسهای شرکت واحد که
در جنوب شهر تهران به مرحله اجرا در آمد
و با اعتراض مردم روبرو شد در شیراز نیز
اجرا قرار گرفته است. اتوبوسهای شرکت
واحد شیراز با "پوشیده" زنجیر بدو قسمت تقسیم
کرده اند که خانها از درب عقب و آقایان
از درب جلوسوار می شوند.
تهران - نیمه آبان - در نیمه های
شب با سدا ران به خیال کشف خانه تیمی
به یک مغازه که سه کارگر آن مغازه به علت
بی جا نشیها در آنجا می خوا بیدند، حمله
کرده و مبادرت به تیراندازی میکنند.
اکثریت اهالی آژمنزل بیرون آمده با
دستگیری سه کارگر توسط پاسداران مواجه
میشوند. مردم اعتراض کرده و با ضامنست
یکی از اهالی کارگران از آدمیشوند،
تهران - او خرابان - پاسداران در
بهشت زهرا سریازی را که در محل دفن
قبلی رفیق سعید سلطانی (قبر خالی)
ایستاده بوده است دستگیری کنند، آری
عطر خاک آغشته به خون فدائیان خلق نیز
آگاهی می آفریند و چهره کره رژیم ضد
خلق اسلامی را عریان تر می سازد.

۸/۹/۱۸: در این تاریخ، رژیم لایحه ای
مبنی بر افزایش نرخ حق الثبت مرسوله
سفرش و بیمه و حق الثبت همراه با نسبت
پستی، توسط مجلس تصویب کرد
اتخاذ چنین سیاستهایی نشان میدهد
که رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی برای
زهائی از بحران دمافزون اقتصادی، -
مردم را بیش از پیش تحت فشار قرار میدهد
تا شاید بتواند حکومت جا برانه خویش را
حفظ کند.

گزارشی تکاندهنده از جنایات رژیم در زندان اوین

در یکی از خیابانها جهت رفتن به خانه در حرکت بودم که ناگهان دو نفر با سدا پرا را سد کرده با یک حالت ترس از نزدیک شدن گفتند میخواهیم شما را با زدیدنی بگیریم و سپس آنها مرا به داخل یک ماشین و از آنجا بداخل ماشینی دیگر برده مرا با زسی بدنی کرده و سپس چشمها بمر بسته بستند زندان اوین بردند. در زندان محدد " - با زسی بدنی کرده مرا تحویل پاسداران زندان دادند، پس از طی ۳۰ پله در زندان احسان کردم و در سالن بهی شدم در آنجا گفتند همین جا با بست. در این مدت - همواره چشمها بمر بسته بود. در این سالن تعداد زیادی دختر و پسر نشسته یا خوابیده بودند، تعداد زیادی هم و ناله میکردند پاسداران مراقب بودند که دستگیرشدگان با هم صحبت نکنند و تا میخواهیم حرفی بزنیم پاسداران زن و مرد می گفتند خفه شوید، حدود نیم ساعت بعد من گفتم میخواهم بروم دستشویی، مرا بردند، در داخل دستشویی می توانستیم چشم بندها بماند را باز کنیم، در آنجا دیدم که تعدادی از بچه ها پاهایشان (قسمت روی پا) گچ گرفته بودند و نمی توانستند راه بروند - تعدادی هم زبانشکن شده بودند - نمی توانستند پریاهایشان با بستند و حالت تهوع و سرگیجه و سرما خوردگی شدید داشتند و نمی توانستیم ستوالی بگیریم چون داشتند پاسداران داخل و خارج می شدند و بعد هم نمی دانستیم در میان این بچه ها جاسوس هست یا نه. تا این زمان هنوز - نمی دانستیم به چه جرمی دستگیر شده ام، خود دستگیر کنندگان نیز اینرا نمی دانستند حدوداً " نیم ساعت پس از بازگشت از دستشویی مرا به اتاق بازجویی احضار بقیه در صفحه ۸

پت است خون من در دست کارگر
داس است خون من در دست بزرگر



گرامی باد خاطر شهدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

- ۵۷ دی رفیق فتح الهه کریمی
- ۵۰ دی رفیق حسن محمودیان
- ۵۰ دی رفیق مرتضی حاج شفیعیها
- ۱۸ دی ۵۴ رفیق فاطمه حسن پور
- ۱۹ دی ۵۴ رفیق مسرور فرهنگ
- ۲۰ دی ۵۲ رفیق حسن نوروزی
- ۲۱ دی ۵۴ رفیق فاطمه نهانی
- ۲۵ دی ۵۵ رفیق خدا بخش شالی
- ۲۷ دی ۵۴ رفیق بهمن روحی آهنگران

معامله با امپریالیستها زیر شعارهای ضد امپریالیستی

کرده ایم و اینک حق ما است که آنها را تحویل بگیریم و پس از اسرائیل نویت خریدار آمریکا بیش آمد. اف. سی. آی در هفته گذشته اعلام کرد که دولت ایران - تقاضای خرید لوازم بدگی اف ۱۴ را کرده است. اینبار نیز دولت فریبکار جمهوری اسلامی که تاکنون خود را دشمن آمریکا قلمداد میکرد و تصور نمیکرد که - همبیمانش رسوا بشود و پشت زده اعلام کرد که چنین خریدی صورت نگرفته است. ما شمی رفسنجانی مجدداً "مخنه سازی را آغاز کرد تا زمینه ذهنی لازم جهت این خریدار فرا همسازد و گفت: ما قطعات بدگی هوا بیما را قبلاً از آمریکا خریده ایم و اگر بخوایم بماند آنها را به ما بدهند - (کیهان اول دیماه ۶۰)

مردم ایران مدتهاست تجربه کرده اند که هرگاه شعارهای ضد امپریالیستی وضد صهیونیستی رژیم غلیظ تر میشود - جریاناتی در پس پرده در شرف وقوع است - از چندی پیش که خرید سلاح از اسرائیل بر ملا شد ابتدا سردمداران رژیم و قیحا نه به انکار این امر پرداخته و چندی بعد مشخص شد که این سلاحها از طریق واسطه های سوئیسی از اسرائیل خریداری شده است و چون خرید سلاح از واسطه ها بدلیل گران بودن بیشتر و کمبود ارز دیگر به امری دشوار بدل شده بود رژیم ما مله مستقیم را پیشه کرد. در این رابطه ها شمی رفسنجانی در بیان خود در این رابطه گفت که البته ما در گذشته در زمان رژیم شاه از اسرائیل اسلحه خریده ایم و بولش را برداخت -

بقیه در صفحه ۶

مبارزات دانشجویان انقلابی ایرانی در خارج از کشور

اعتصاب غذای دانشجویان مبارز - ایرانی در آلمان، در اعتراض به جنایات رژیم جمهوری اسلامی رفقای دانشجویی هوادار سازمان در آلمان فدرال و برلن غربی بمنظور جلب افکار عمومی و نیروهای مترقی و انسان دوست در آلمان، به جنایات رژیم جمهوری اسلامی، و بمنظور تزلزل برای شکستن سکوت مطبوعات دربار و کشتارهای ددمشانه رژیم جنایتکار خمینی، از روز دوشنبه ۲۴ آبان (۲۶ اکتبر) برای تلاش در جهت خواسته های زیر در برلن غربی وارد اعتصاب غذا شدند: ۱- اعزام هیئتی متشکل از نمایندگان "سازمان بقیه در صفحه ۱۴

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد